

زبدة التواريخ بالسنخري

حافظ ابرو

جزء دوم از ربع چهارم مجمع التواريخ السلطانية

(از مرگ امیر تیمور گورکان تا زخم خوردن میرزا شاهرخ)

شامل وقایع سال های ۸۰۷ تا ۸۳۰ هـ ق



سرشناسه	: حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، ۸۳۴ - ۷۶۳ ه.ق.
عنوان و نام پدیدآور	: زبده التواریخ بایسنغری: جزء دوم از ربیع چهارم مجمع التواریخ السلطانیه (از مرگ امیر تیمور گورکان تا زخم خوردن میرزا شاهرخ) شامل وقایع سالهای ۸۰۷ تا ۸۳۰ ه.ق / نویسنده حافظ ابرو؛ به کوشش محسن فاتحی؛ براساس نسخه سیدکمال حاج سیدجوادی.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۹۰۰ ص.
شابک	: 978-622-732618-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: بالای عنوان: متن ویراسته و شرح کامل. کتابنامه: ص. ۸۶۳-۸۸۳.
عنوان دیگر	: جزء دوم از ربیع چهارم مجمع التواریخ السلطانیه (از مرگ امیر تیمور گورکان تا زخم خوردن میرزا شاهرخ) شامل وقایع سالهای ۸۰۷ تا ۸۳۰ ه.ق.
عنوان دیگر	: متن ویراسته و شرح کامل.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- تیموریان، ۷۷۱ - ۹۱۱ ق. -- Iran -- History -- Timurids, 1370 - 1505
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قرن ۸-۹ ق. -- Iran -- History -- 14-15th centuries
شناسه افزوده	: فاتحی، محسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
شناسه افزوده	: حاج سیدجوادی، سیدکمال، ۱۳۳۰ -، مصحح
رده بندی کنگره	: DSR1086
رده بندی دیویی	: ۶۶/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۴۴۷۹۷۳

زبدة التواريخ بالسنخري

حافظ ابرو

جزء دوم از ربع چهارم مجمع التواريخ السلطانية

(از مرگ اميرتيمور گورکان تا زخم خوردن ميرزا شاهرخ)

شامل وقایع سال های ۸۰۷ تا ۸۳۰ هـ ق

به کوشش

محسن فاتحی

براساس نسخه دکتري سيد کمال حاج سيد جوادى

با مقدمه ای از دکتر محمد شهری



©Nashre Amareh, MMXXI



عنوان کتاب: زُبْدَةُ التَّوَارِيخِ بایسنغری

نویسنده: حافظ ابرو

ویراسته و شرح کامل از: محسن فاتحی

شابک: ۵-۱۸-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشرآماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشرآماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین،

پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۲۱-۶۶۹۵۱۳۲۳ و ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

نمایندگی فروش: تهران، کتابفروشی انتشارات گوتنبرگ، تلفن ۰۲۱-۶۶۴۱۳۹۹۸

روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۱۲

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وب سایت نشرآماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ تومان

«اما بعد، این ربع رابع است از ارباع کتابی که به فرمان حضرت امیر
و امیرزاده جوانبخت بایسنغریهادر جمع کرده می آید و این ربع را
زبدۃالتواریخ بایسنغری نام نهاد.»

تقدیم به پدرم
مغرور و بلندهمتی که دادِ مردانگی داد و رفت.

م.ف

توجه:

به دلیل طولانی بودن برخی از پاورقی‌ها در برخی از صفحه‌ها، شماره پاورقی‌ها در آن صفحه‌ها مجدداً از "یک" شروع شده و توضیح آن به صفحه بعد منتقل شده است.

مقدمه

کسی به درستی نمی‌داند، آن بامداد که خورشید رخشان خراسان در روستای کوچک بهدادین خواف طلوع کرد و برای نخستین بار برتن عبدالله پرتوافکند، صبح چه روزی در تاریخ بوده است. عبدالله فرزند لطف‌الله تا روزگاری که تمامی خاک ماوراءالنهر و خراسان به سال ۷۸۱ هجری مسخر امیر تیمور گورکان شد، آن قدری از معقول و منقول آموخته بود که نخستین قدم‌های ورود به حرفه کتابت دستگاه این پادشاه جهانگشای را بردارد. او ملتزم رکاب شد و از نزدیک هجوم تندباد سرنوشت را از زادگاهش تا اقصای جایی که سم ستوران صاحبقرانی روفتند، دید و شنید و وقتی تیمور در سال ۷۹۵ هجری بغداد را گشود و مولانا نظام‌الدین شامی یقین دانست که «آن حضرت مؤید من عندالله است»^۱، به آن جایگاهی رسید که از قاهر فاجر روزگارش خاطره نقل کند؛ که هنگام نشستن تیمور بر کشتی سلطان احمد جلایر و عبور از دجله «از حضرت صاحب‌قران شنیدم که در آن روز تقصیری واقع شد. اگر همان ساعت در آب می‌راندم، هرآینه سلطان احمد به دست می‌آمد»^۲.

او به سال ۸۳۳ یا ۸۳۴ هجری درگذشته است و اگر هنگام مرگ حدود ۷۰ سالگی بوده باشد، مولودش در سال ۷۶۳ هجری و در این تاریخ فتح بغداد، ۳۲ ساله بوده و رفته رفته به جایگاه منیع منشی‌گری پادشاه وقت رسیده است.^۳

عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید که ملقب به حافظ ابرو شده بود تا هنگام مرگ تیمور در سال ۸۰۷ هجری، هم‌چنان در رکاب او بود و از نزدیک با شخصیت و منش میرزا شاهرخ، پسر کوچک امیر تیمور، آشنا شد. به همین دلیل پس از به قدرت رسیدن شاهرخ در هرات، به دستگاه او پیوست و تا آخر عمرش به کتابت مآثر آن «خاندان فلک‌اشتباه» مشغول بود. کتاب‌های ذیل

۱. عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج ۲ [ج ۱/ دفتر دوم] ص ۶۷۶.

۲. همان. متذکر می‌شود که در این ویرایش همه جا مراد از مطلع سعدین ج ۱: ج ۱/ دفتر اول، ج ۲: ج ۱/ دفتر دوم، ج ۳: ج ۲/ دفتر اول و ج ۴: ج ۲/ دفتر دوم است.

۳. او کتاب مکتوباتش را در سال ۷۸۸ هجری در اردوی تیمور نوشته است، نک: ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، ص

ظفرنامه شامی، تاریخ آل مظفر، جغرافیای حافظ ابرو و تاریخ سلاطین کرت از مهم‌ترین کتاب‌های این دوره از زندگانی اوست. نثر این کتاب‌ها «بسیار روان و عاری از تکلف است و نویسنده به قول خود «از درر الفاظ و دقایق معانی نصیبی کامل و حظی شامل ندارد و از استعارات غریب و تشبیهات عجیب که وجوه محاسن کلام است بی‌بهره مانده» و به هر حال او خلاف مورخانی که پیش از وی در قرن هفتم و هشتم سرگرم کار بودند در تألیف کتاب‌هایش نثر منشیانه متکلف ندارد و ساده‌نویسی است»^۱.

حافظ ابرو در سال ۸۲۶ هجری، هشت سال پیش از درگذشتش -که در اوج پختگی بود- به اشارت «حضرت غیاث‌الحق و الدین بایسنغر بهادرخان»، فرزند گرانقدر و هنرمند شاهرخ، به جمع‌آوری تاریخی معظم از ابتدای آفرینش بشر تا روزگار «حضرت سلطنت شعاری شاهرخ» مشغول و مأمور شد. او نام این کتاب بزرگ را «مجمع التواریخ سلطانیه» گذاشت و آن را به چهار ربع تقسیم کرد:

ربع اول: از آغاز آفرینش تا دوره پیامبر (ص)

ربع دوم: تاریخ زندگانی پیامبر تا آخر خلافت عباسیان

ربع سوم: تاریخ پادشاهان و ملوک (از صفاریان تا قراختائیان)

ربع چهارم: به نام زبدة التواریخ بایسنغری که شامل دو بخش است؛ بخش نخست شامل تاریخ ایران از تولد تیمور در ۷۳۶ هجری تا مرگ او در ۸۰۷ هجری و بخش دوم شامل تاریخ بر تخت نشستن شاهرخ در سال ۸۰۷ هجری تا کارد خوردن او بیرون جامع هرات در سال ۸۳۰ هجری می‌شود.

آن چه اکنون پیش روی شماست، درواقع همین بخش اخیر، یعنی جزء دوم از ربع چهارم است. در روزگار حافظ ابرو این دو بخش از یک‌دیگر مجزا بوده و سپس در یک مجلد به نام زبدة التواریخ گرد آمده‌اند. جزء دوم این کتاب در سال ۱۳۷۲ با مقدمه مبسوط و تصحیح و تعلیقات آقای دکتر سیدکمال حاج سیدجوادی منتشر شد و سپس در سال ۱۳۸۰ حضرت ایشان، این جزء را همراه جزء اول با نام «زبدة التواریخ حافظ ابرو» در چهار جلد منتشر کردند.^۲

۱. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴/۴۸۹. این نظر استاد ذبیح‌الله صفا بیش‌تر معطوف به همان کارهای برشمرده است و کم‌تر مصداق حال زبدة التواریخ می‌شود.

۲. این چهار جلد سپس در سال ۱۳۹۵ توسط انتشارات اساطیر بدون تغییر چاپ شد.

و اما بعد، آن چه سبب جسارت این قلم به ویرایش مجدد جزء دوم ربع رابع زبدة التواریخ شد، نخست ارزش زیاد این بخش از کتاب در مقایسه با بخش نخست آن و دوم وجود پاره‌ای اشتباهات چاپی و استحسنات و غیره، که ذکر آن موجب اطاله کلام است و خواننده در حواشی کتاب آن‌ها را درخواهد یافت، می‌باشد.^۱ برای نمونه تعدادی از موارد شاذ چاپ‌های پیشین براین قرار است:^۲

پیرعلی تاز (۷۶/۲۱): او کشنده خلیل سلطان بهادر نیست، بلکه در سال ۸۰۹ هجری برامیرزاده پیرمحمد بن جهانگیر شورید و او را به قتل رساند.

اقلت عثرت (۷۷/۲۲): صحیح آن «اقلت عثرت» است.

سلطان علی سبزواری (۸۱/۲۵): او پسر امیر وجیه‌الدین مسعود سبزواری که دومین حاکم سربداری بود نیست، بلکه فرزند خواجه مسعود سبزواری - خواهرزاده علی مؤید سربداری آخرین امیر سربداران - است.

مسعود سربداری (۸۲/۲۶): او «ابن فضل‌الله ملقب به وجیه‌الدین برادر عبدالرزاق سربداری» نیست، بلکه خواجه مسعود سبزواری است که به خدمت تیمور درآمد و قدر و منزلتی یافت.

مسرعان (۸۴/۲۸): معنی آن در متن «پیک تیزرفتار و قاصد» است و نه «شتابان و چالاک».

پیرپادشاه (۸۸/۳۱): او پسر لقمان پادشاه بن طغاتی‌مورخان است و نه برادر لقمان پادشاه.

بیکیسی سلطان (۱۱۲/۴۳): بی‌کسی سلطان یا بیگی سلطان دختر امیرانشاه گورکان و همسر امیرزاده اسکندربن عمر شیخ بود و نه «بنت خضر خواجه اوغلان» پادشاه مغولستان.

سنه تسع و ثمانمائنه (۱۴۷/۸۴): صحیح آن «سنه سبع و ثمانمائنه» است.

می‌فشاندند (۱۶۴/۱۰۲): اصح آن «می‌نشانند» است.

سهیل (۱۸۸/۱۳۳): صحیح آن «صهیل» است به معنای بانگ و شیهه اسب و نه «ستاره سهیل».

فیروزان (۲۲۵/۱۷۷): همان موضعی است که امروز دهستان «سهر و فیروزان» نامیده می‌شود و از توابع فلاورجان می‌باشد و نه «محلی در دو فرسخی جنوب شرقی شیراز».

۱. بخش بزرگی از اشتباهات چاپی و لغوی بدون اشاره، اصلاح شده است.

۲. عدد سمت راست شماره صفحه زبدة التواریخ چاپ اول سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۰ و عدد سمت چپ، شماره صفحه در همین کتاب است. این موارد شامل زبدة التواریخ چاپ انتشارات اساطیر نیز می‌شود.

چارده (۲۲۷/۱۷۸): نام موضعی کهن در چهار فرسخی طبس است و نه «چهارده بالا و پایین بیرجند».

به طرح گذاشتن (۲۳۰/۱۸۰): به معنی «با نقشه انجام دادن» نیست بلکه معنی آن «رها کردن و واگذاشتن» است.

سلم (۲۳۱/۱۸۲): دروازه‌ای در شهر شیراز بوده است و نه محله‌ای در اصفهان.
اویراغ (۲۳۲/۱۸۳): معنی آن «بازگشتن غازی بی غنیمت، بازگشتن شکارچی بی صید و بازگشتن جوینده بی نیل مقصود» است، «دور و کنار» دور از ذهن است.
سید احمد ترخان (۲۴۱/۱۹۳): امیر سید احمد ترخان از امرای معتبر تیموری بود و با امیرزاده سیدی احمد میرزا فرزند عمر شیخ فرق دارد.^۱

خواجه غیاث الدین (۲۵۳/۲۰۹): مقصود از «خواجه غیاث الدین» در متن خواجه غیاث الدین سالارسمنانی است و نه خواجه غیاث الدین پیراحمد خوافی.

کوتل کیتو (۲۵۶/۲۱۳): نام موضعی است در نواحی بادغیس و آن‌چه به عنوان «دهی در بخش کبودآهنگ همدان یا مرغزاری میان همدان و ساوه» آمده است، نادرست و عاری از معنی است.

خواجگی (۲۶۰/۲۱۸): مقصود از خواجگی «خواجه حسین شربت‌دار» است و نه معنی لفظی آن.
غنیم (۲۶۱/۲۱۸): معنی آن در متن صرفاً همان «دشمن و خصم» است.

توپره گردان: (۲۶۲/۲۲۰): به معنی «فقیر و گدا» بسیار مستبعد است. توپره گردانی باید شیوه‌ای از جمع‌آوری مال یا جنس توسط سپاهیان برای اخراجاتشان بوده باشد.

قلان (۲۶۲/۲۲۰): به معنی «ملوط و مخنث» یا «عمله بی‌مزد و اجرت» نادرست است. معنی آن در متن «سرانه و خراج یا مالیات زمین و ملک مزروعی و مشجر» است.

شاه اسکندر نیالتکین (۲۸۱/۲۵۹): ضبط درست این نام باید «شاه اسکندر نیالتکین» باشد.
به طرح ریختن (۳۱۲/۲۹۳): معنی آن نه تنها «پی‌ریزی و پی‌افکنی» و مقاوم‌سازی نیست بلکه برعکس «انداختن، افکندن و واگذاشتن» است.

امیر شیخ نورالدین (۳۲۳/۳۰۳): از امرای معتبر تیموری است که به صحو با «مولانا نورالدین محمدبن قاضی جلال الدین محمود الامامی» اشتباه گرفته شده است.

۱. چون پیش‌تر ذکر سید احمدبن عمر شیخ آمده است، ممکن است در چاپ جای پانویس عوض شده باشد.

آق‌یچه (۳۴۵/۳۳۲): نام موضعی در جانب شرقی دریای خزر و متفاوت از «آقچه» در شمال شرق شبورغان بر سر راه بلخ است.

سماط (۳۶۶/۳۵۷): به همان معنی معمول «بساط و سفره» آمده است و نه «نظم و روش». **قراپه** (۳۷۱/۳۶۲): آن چه از متن فهم می‌شود، قراپه در حدود سمرقند و کش بوده است و نه از «نواحی شهر سرخس».

قلعه فیروزکوه (۳۸۷/۳۸۷): همان فیروزکوه دماوند است که مقر امیر حسن کیا بود. در حاشیه با فیروزکوه که پایتخت غوریان بود اشتباه شده است. **مناولت** (۴۱۰/۴۱۷): به معنی «دست‌درازی» آمده است، در صورتی که معنی آن «عطا کردن و بخشش» است.

امیر حمزه (۴۱۷/۴۲۸): نام صحیح آن «امیر دولت‌خواجه» است. **گوراب** (۴۴۹/۴۷۴): به معنی «گنبدی که بر سر قبر سازند» قید شده است که منطبق با فحوای متن نیست، بلکه معنی آن «بازار، مرکز، میدان و محل اجتماع» است. **مناحی** (۵۱۸/۵۶۱): مقصود از مناحی «گوشه و کنارها» نیست، بلکه «بیگانگان» مراد است. **معاقرت** (۵۶۰/۶۲۶): معنی معاقرت در متن «مجادله و دشنام دادن» نیست، بلکه «پیوسته شراب نوشیدن و شب‌نشینی و خوشباشی» است.

نوشهر (۶۶۷/۷۷۶): نام موضعی نه در حدود تبریز یا اردبیل بلکه در یازده فرسنگی ارجیش یا دریاچه وان است.

آقا یا آغا: از موارد عجیب چاپ‌های پیشین خلط دو لقب آقا و آغا در همه متن کتاب است. عموماً در ادبیات پس از مغول واژه آقا به معنی بزرگ‌تر و آغا خطاب به خواتین و بانوان سرشناس (و خواجه‌سرایان حرمسرا) به کار رفته است. در این چاپ نیز هر کجا این لقب ارجاع به نام بانویی بوده است، آقا به آغا تغییر یافته است.

در این ویرایش کوشش شده است تا هیچ واژه، لغت و عبارتی؛ چه تاریخی و چه جغرافیایی، بی‌توضیح باقی نماند. برای نیل به این مقصود از منابع بیش‌تری بهره برده شده است، به منظور خوانش صحیح واژه، کلمات اعراب‌گذاری شده‌اند، رسم‌الخط، پاراگراف‌ها، جمله‌بندی‌ها، نقل‌قول‌ها و ... تغییر کرده‌اند، جملات معترضه مشخص شده و به منظور یک‌دستی ترجمه، معنی آیات قرآنی از کتاب دوجلدی خلاصه کشف‌الاسرار امام احمد میبدی به نگارش حبیب‌الله آموزگار و ام گرفته شده است.

نکته بسیار مهم این چاپ؛ حذف اشعار عربی و فارسی، القاب و عبارت‌های تکراری و تلخیص دو واقعه از متن ذیل وقایع سال ۸۱۱ هجری که توصیف جشن ختنه‌سوران بایسنغرو سال ۸۲۰ هجری که بیان ولادت علاءالدوله پسر بایسنغراست، می‌باشد. در هر دو مورد این وقایع، نویسنده در ذکر ممدوحش دچار طغیان قلم شده و معنی متن زیر کلمات ثقیل و عبارت‌های فخیم و توصیف‌های حجیم مستور مانده است. باقی کتاب بی‌تغییر و تبدیل حفظ شده است. در واقع هرکجا، شعر، مدح یا جمله‌ای دعایی بر مضمون متن بار نشده بلکه مکمل آن بوده است، آن عبارت حفظ شده است. واقعیت این است که زیب و زینت‌های ادبی کتاب و عنان‌ریز کردن قلم در ستایش ممدوح، در بسیاری موارد متن تاریخی اثر را به حاشیه رانده و ذکر وقایع را متأثر ساخته است. در حقیقت تصرفات و حذفیاتی که صورت گرفته صرفاً با هدف کشف متن تاریخی کتاب صورت گرفته است. از این رو به خواننده کتاب اطمینان داده می‌شود که متن پیش روی شما، گزیده یا تلخیص یا پیرایش زبده‌التواریخ نیست، بلکه صرفاً همان متنی می‌باشد که حافظ ابرو اگر می‌خواست بی‌واهمه از ظل ظلیل ممدوح یا رهایی از سنت‌های منشیانه تاریخ‌نویسی بنگارد، چنان که عبدالرزاق سمرقندی، میرخواند، خواندامیر و دیگران نگاشتند.

یادآور می‌شوم این جهد، برخاسته از آمال گروهی از دوستان و رفقایم در «حلقه مطالعات تاریخی جست» در دهمین سال فعالیت آن محسوب می‌شود.^۱ از ذکر خیر همه اعضای این گروه می‌گذرم و تنها به عرض ادب به دو نفر از آن‌ها؛ محمدعلی رضائی و احسان یوسفیان، که هم چنان امیدوار و پایدار، نور این محفل را فروزان نگاه داشته‌اند بسنده می‌کنم.

از استاد فرهیخته و گرامی، آقای دکتر محمد شهری سپاسگزارم که منت نهاده و مقدمه‌ای برای انتشار در این کتاب در اختیار ما قرار دادند. حسن ظن ایشان به حافظ ابرو، احاطه بر آثار این مورخ و صاحب‌نظر بودن در زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران، در مقدمه فاضلان‌ای که نوشته‌اند کاملاً به چشم می‌خورد. برای ایشان عمر با عزت آرزو مندم.

۱. حلقه مطالعات تاریخی جست (جست: جلسات سه شنبه‌های تاریخ‌خوانی) با هدف خوانش و واکاوی تاریخ معاصر ایران در ۲۹ تیرماه ۱۳۸۹ تشکیل شد. اعضای این گروه در دوره‌های مختلف، به غیر از بنده، عبارت بودند از: مهدی پژوم، یاسین وهابی، احسان یوسفیان، روح‌اله بادکوبه، جولان فرهادی، امیر شبتاب، ارسلان گودرزی، دکتر توحید علیزاده، دکتر مجتبی بیات، دکتر حسین حیدری، دکتر احسان جوانمرد، دکتر حسن پورسفیر، دکتر محمدعلی رضائی و دکتر مرتضی قلیچ.

هم چنین از مدیریت محترم و فرهیخته نشر آماره، جناب آقای فرهاد نوع پرست سپاسگزارم که در این روزگار صعب، دست همت از آستین مناعت به در آورده و به چاپ و نشر آثار فخیم اهتمام می ورزند؛ به ایشان و همکارانشان دست مریزاد می گویم.

ضمن توضیح این نکته که مسئولیت واژه به واژه حواشی، توضیحات و ویرایش این کتاب بر عهده حقیر است، امیدوارم این کوشش گامی در راه معرفی بیش تر زبدة التواریخ حافظ ابرو باشد و زمینه را برای چاپ های پاکیزه تری از این کتاب مستطاب فراهم آورد. همین جا فرصت را مغتنم می شمارم و از خوانندگان گرانمایه درخواست می کنم، اگر اشتباه یا ایرادی در کتاب یافتند، منت نهاده آن را از طریق نشر محترم آماره به اطلاع این بنده برسانند تا در چاپ های بعد اصلاح شود.

سخن آخر این که؛ در اخبار است که حافظ ابرو در سال ۸۳۴ هجری به هنگام بازگشت از آذربایجان در رکاب پادشاه وقت، شاهرخ میرزا، در زنجان درگذشت و همان جا در کنار مزار اخی ابوالفرج زنجانى به خاک سپرده شد و پس از یکی دو قرن نه از مزار او نشانی ماند و نه از مزار اخی ابوالفرج. با این وجود شور و علاقه مردمان خواف خراسان به این شخصیت بزرگ، سبب شد که از همان روزگار آرامگاه او را در خواف بدانند و مزار او را هم چون مزار مقدسی گرامی بدانند. نگارنده به کرات شاهد این احترام عمیق پیرو جوان خواف به مکان حافظ ابرو بوده است. امیدوارم این مزار و آرزو، مورد وثوق اهل فرهنگ قرار بگیرد و قدرش به شایستگی گزارده شود.

نگاهی به زندگی، اندیشه و آثار حافظ ابرو

دکتر محمد شهری

حافظ ابرو کیست؟

به راستی هیچ‌کس نمی‌توانست تصوّر کند این کودکی که در خانواده‌ای گمنام و در روستایی دورافتاده از خراسان به دنیا آمد، روزی مورّخی بزرگ و مشهور شود که بسیاری از تاریخ‌نگاران معاصر و نویسندگان پس از وی در نگارش کتاب‌های خود به آثار و گفتار وی به عنوان اسنادی محکم و متّقی استناد جویند و از او به نیکویی یاد کنند.

سخن در باب حافظ ابروست، عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید بهدادینی خوافی، تاریخ‌نویس برجسته ایرانی در پایان قرن هشتم و اوایل سده نهم هجری.^۱ نام و شهرت وی به استناد آنچه خود در مقدمه بیشتر آثارش آورده، همان است که در بالا یاد شد؛ لکن اکثر مورّخان و حسب حال نویسان روزگار ما او را به اعتبار سخن فصیح خوانی به لقب «شهاب‌الدین» یاد کرده‌اند و برخی نیز بر پایه سخن خواندمیر در کتاب حبیب السیر، وی را «نورالدین» خوانده‌اند. گرچه ممکن است نظر فصیح خوافی به دلیل معاصر بودن و با توجّه به روابط دوستانه‌ای که با هم داشته‌اند به حقیقت نزدیک‌تر باشد، اما خود نویسنده در آثار خویش در این باب سکوت اختیار کرده است.^۲

۱. بهدادین. زادگاه حافظ ابرو، روستای کوچکی است در فاصله ۴۸ کیلومتری جنوب شرقی خواف که در تقسیمات جدید کشوری جزو بخش پایین خواف به مرکزیت سنگان است. گرچه نام رسمی این روستا «بهدادین» است، اما مردم آنجا روستای خود را بهدادین، می‌نامند، در حال حاضر ۲۴۵ خانوار با جمعیتی بالغ بر ۱۵۵ نفر در این روستا زندگی می‌کنند. این روستا دارای خانه بهداشت و یک مدرسه ابتدایی (مختلط) است؛ رک: فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۹؛ نیز فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، ذیل کلمه بهدادین.

۲. ذبیح‌الله صفا، غلامحسین مصاحب، زهرا خانلری، محمد معین و برخی دیگر از حسب حال نویسان معاصر (ظاهراً به اعتبار سخن فصیح خوافی) از وی به لقب شهاب‌الدین و ملک الشعراء بهار، محمدعلی مدرّس تبریزی و ادوارد براون (ظاهراً به استناد قول خواند میر) از او با عنوان «نورالدین» یاد کرده‌اند.

برخی از پژوهندگان معاصر مانند محمدتقی بهار در سبک‌شناسی و غلامحسین مصاحب در دایرةالمعارف فارسی، زادگاه وی را شهر هرات دانسته‌اند و این درست نیست، زیرا حافظ ابرو در مقدمه بیشتر آثارش و از جمله در مقدمه تاریخ ملوک کُرت (نسخه خطی کتابخانه ملک) به صراحت خود را «البهدادنی» معرفی می‌کند (دهخدا در لغت‌نامه این کلمه را «السیهدارنی» خوانده که آن هم صحیح نیست) همشهری او، فصیح خوافی، نیز وی را اهل خواف خوانده است (مجمل فصیحی، به اهتمام محمود فتح، ج ۳، ص ۲۶۶). خوشبختانه اظهارات صریح حافظ ابرو و نیز پژوهش عالمانه دکتر خانبابا بیانی در مقدمه ذیل جامع‌التواریخ رشیدی جای شکی در بهدادینی بودن او باقی نمی‌گذارد و به اختلاف عقاید در این مورد پایان می‌دهد.

مستند کسانی که وی را هروی دانسته‌اند سخن دو تن از تاریخ‌نگاران پس از اوست، یعنی عبدالرزاق سمرقندی در کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین و خواندمیر در کتاب حبیب السیر؛ این سخن گرچه نادرست است، اما از منظری دیگر قابل توجیه است. بدین معنی که به استناد جغرافیای حافظ ابرو و نیز بر طبق مندرجات کتاب روضات الجنّات فی اوصاف مدینه هرات اثر معین‌الدین اسفزاری، روستاهای تابع خواف و جام و باخرز و قهستان و خوسف از اعمال وابسته به هرات و جزو حوزه فرهنگی آن شهر به شمار آمده است.^۱ به همین دلیل نباید تصوّر کرد کسانی که وی را هروی دانسته‌اند خیلی بی‌راهه رفته باشند. همان‌گونه که فصیح خوانی نیز او را اهل خواف شمرده، اینان نیز احتمالاً نخواستند مورّخی بزرگ همچون حافظ ابرو را به روستایی کوچک همچون بهدادین منسوب سازند!

تحصیلات و پرورش علمی

حافظ ابرو تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت و پس از آن برای تکمیل تحصیلات راهی هرات شد. در آن زمان هرات از مراکز مهم علمی و فرهنگی خراسان به شمار می‌آمد. وی در آنجا قرآن و تفسیر و حدیث و مقدمات شعرو ادبیات و دیگر دانش‌های رایج در آن روزگار را فرا گرفت و قرآن را حفظ کرد. به همین سبب است که او را «حافظ» گفته‌اند، زیرا در عرف جامعه اسلامی حافظ به کسی گفته می‌شود که قرآن را از حفظ باشد، یا متن و سند یک صد هزار حدیث را.

۱. به عنوان نمونه رک: جغرافیای تاریخی خراسان، حافظ ابرو، به تصحیح غلامرضا ورهرام، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۵ (ولایت خواف).

حافظ ابرو علاوه بر فارسی، به دو زبان عربی و ترکی تسلط کامل داشت و در عربی مترجمی توانا بود. در آن روزگار عربی، زبان رایج و علمی بیشتر کشورهای اسلامی بود و ترکی زبان رسمی دربار، به این دلیل وی مجبور شده بود جز زبان مادری این دو زبان را نیز به خوبی بیاموزد. چگونگی و دلیل مهاجرت او و خانواده اش از بهدادین به هرات کاملاً مشخص نیست. از احوال استادان و همشاگردی ها و دوستانی که در دوران تحصیل با آنان معاشر بوده، آگاهی دقیقی نداریم و نمی دانیم که کدام استاد یا رویداد مهم بیش از دیگر افراد یا حوادث، در پرورش اندیشه وی مؤثر بوده است.

بسیاری از مورخان نوشته اند که تربیت و تحصیلاتش در همدان بوده است. گمان نمی رود که این موضوع درست باشد، زیرا همدان در آن زمان دور از دسترس و قلمرو و سلطه تیموریان بود. هیچ دلیل خاصی هم نداریم تا ما را قانع کند که بدانیم چرا حافظ ابرو حوزه های معروف و پرمایه علمی خراسان را با آن همه استادان و مدرّسان شایسته، ترک و خویشتن را آواره دیاران دیگر کند و حوزه دوردستی را در همدان برای تحصیل برگزیند؟ حوزه ای که نه امتیاز ویژه ای داشت، نه استاد برجسته و پراوازه ای، تا جذبه آن دانشجویی علاقه مند را از خراسان به همدان بکشاند. به نظر می رسد این اشتباه از شباهت نوشتاری دو واژه بهدادن و همدان، ناشی شده باشد. احتمالاً مورخی مانند عبدالرزاق سمرقندی واژه «بهدادن» را «همدان»، خوانده و دیگران نیز به تقلید او محلّ تربیت و تحصیلات حافظ ابرو را همدان نوشته اند. از طرف دیگر می دانیم که این مورّخ در خلال بیشتر آثارش، حوادث و اطلاعات لازم در باب زندگی اش را برای ما باز می نویسد، بنابراین دور از شیوه پسندیده اوست که اگر چنین موضوعی در زندگیش صحت می داشت، ما را از آن بی خبر می گذاشت.^۱

چرا لقب این مورّخ «حافظ ابرو» است؟

بی تردید او در زمان حیات خود به «حافظ ابرو» شهرت داشته است و این معنی از قطعه زیر که در مقدمه نخستین اثر خویش یعنی ذیل جامع التواریخ رشیدی (متن چاپی صفحه ۶) سروده است، برمی آید:

۱. این موضوع از قلم کسانی مانند کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی و خواندمیر تراویده که درست به نظر نمی رسد. همین دو نویسنده زادگاه او را نیز شهر هرات نوشته اند.

بندۀ کمتربین دولتخواه

کاتب العبد، عبد لطف الله

آن که شهرت به حافظ ابرو

یافته پیش شاه و میر سپاه

در این که چرا او را «حافظ» می نامیدند دلیل آن یاد شد، اما درباره «ابرو» نظرات گوناگونی هست. برخی گمان کرده اند که «ابرو» مخفف «آبرو» است به این سبب که در تاریخ خود آبروی اشخاص را نگاه داشته و پرده دری نکرده یا آن که در دربار تیموریان با چنان خوی و عادت زیسته و آبروی افراد را حفظ کرده و در آثار خود از آن خلُق و خوی های نابهنجار گله نکرده است، او را «آبرو» گفته اند.^۱ این موضوع قطعاً نادرست است، زیرا مطلب فوق نه تنها در هیچ نسخه یا کتابی ذکر نشده؛ بلکه در قطعه ای که خود سروده و ذکر شد صراحتاً خویشتن را «ابرو» معرفی کرده است.

همچنین نوشته اند که وی اهل روستایی بوده است به نام «آبر» از روستاهای خراسان در حدود بسطام. بدین سبب او را «آبری» می گفتند که این لقب کم کم به «ابرو» تحریف یافته است. این نکته نیز البته خالی از حقیقت است و پیش تر یاد شد که بنا بر نوشته خودش وی در «بهدادین خواف» به دنیا آمده و دوران کودکی را در همان جا بالیده، نه در آبر بسطام یا جای دیگر و هیچ گاه به «آبری» هم شهرت نداشته است. می ماند قول مؤلفان نامه دانشوران که نوشته اند: وی ابروی پیوسته، زیبا و خوش نمایی داشته به اندازه ای که نشان مخصوص و وسیله اشتها او شده بود و به آن عضو در میان مردم مشخص و معروف شده بود.^۲ این سخن گرچه قوی متأخر است و منحصرأ در یک منبع بیشتر نیامده، اما ممکن است به حقیقت نزدیک باشد، زیرا در روزگار ما نیز هستند کسانی که به داشتن عضوی یا صفتی در میان مردم معروف و مشهورند.

در بین مردم خواف چنین مشهور است که حافظ ابرو دوره کودکی و نوجوانی را در شهر خواف زندگی می کرد و برای حفظ قرآن در محلی که به «سرآب روی» معروف و گوشه ای خلوت و دور از هیاهو بود، می رفت و قرآن را حفظ می کرد و به این جهت او را حافظ ابرو خوانده اند. این محل، هم اکنون وجود دارد و با همان نام «سرآب روی» مشهور است؛ و «روی» یا «رود» نام دیگر شهر فعلی خواف می باشد.^۳

۱. سید علی اکبر برقی: راهنمای دانشوران، قم، چاپخانه تابش، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲. به نقل از ریحانة الادب، محمد علی مدرّس تبریزی، ج ۱، چاپ دوم، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۵، ص ۳۰۳.

۳. ابراهیم زنگنه: تاریخ و رجال شرق خراسان، ص ۶۰۳.

حافظ ابرو در دربار

نوشته‌اند که امیر تیمور به بازی شطرنج دلبستگی ویژه‌ای داشت و حافظ ابرو در این فن استاد بود^۱ و هنگامی که در میان منشیان خود، این حریف چیره‌دست و توانا را یافت، عنایت ویژه‌ای نسبت به او نشان داد تا آنجا که در سفرو حضر همیشه همراه وی بود و همواره او را در مجالس خاص می‌طلبید و خاطر حافظ ابرو را خشنود می‌کرد.^۲ بدین ترتیب حافظ ابرو به روزگار جوانی در سلک خدمت‌گزاران امیر تیمور درآمد و از همان آغاز طرف توجه او قرار گرفت و تا سال وفات امیر تیمور (۸۰۷) در شمار منشیان دربار او بود. حضور حافظ ابرو، بنا بر نوشته خودش، در زمره منشیان تیمور از سال ۷۸۲ ثابت است.^۳

پس از مرگ تیمور به سال ۸۰۷ هنگامی که فرزندش شاهرخ میرزا بر تخت سلطنت نشست حافظ ابرو در هرات ساکن شد و به خدمت در دربار این پادشاه ادامه داد و زندگی دیوانی در پیش گرفت. از مقدمه تاریخ شاهرخ میرزا نوشته خود حافظ ابرو برمی‌آید که شاهرخ در آغاز از هنر و دانش این مورخ اطلاع و آگاهی کاملی نداشته است، اما پس از آن که حافظ ابرو از نگارش آن تاریخ در سال ۸۱۹ فراغت یافت؛ شاه تیموری بر بلندی مقام علمی و فضل و دانش وی آگاه شد. از آن پس حافظ ابرو در نزد شاهرخ پایه و مقامی ارجمند یافت و در سلک نزدیکان شاه جای گرفت و همواره در سفرو حضر ملازم او شد و از این پس تا پایان عمر به دستور شاهرخ یا فرزندش در دربار این پادشاه به کارهای دیوانی و تألیف و تصنیف مشغول بوده است.^۴

تولد و وفات حافظ ابرو

تاریخ تولد حافظ ابرو روشن نیست، هیچ یک از تاریخ‌نویسان ذکری از آن به میان نیاورده‌اند. با توجه به حضور حافظ ابرو در دربار امیر تیمور به سال ۷۸۲ می‌توان گفت که وی در این زمان در سنی بوده است که امیر گورکانی او را به دربار خود پذیرفته و در سلک منشیان خویش درآورده تا با مردان معروفی چون نظام‌الدین شامی مورخ دربار و شاه نعمت‌الله ولی که در آن زمان هفتاد ساله

۱. دایرة المعارف اسلام (متن انگلیسی)، ج ۲، ص ۵۷

۲. ذبیح‌الله منا: تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۸۷.

۳. ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، تألیف حافظ ابرو، به اهتمام خان‌بابا بیانی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۰، صص ۱۱ و ۱۳. ضمناً تمامی تاریخ‌هایی که در این مقاله ذکر می‌شود بر مبنای هجری قمری است.

۴. لغت‌نامه دهخدا، ذیل حافظ ابرو؛ همچنین مقدمه ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، ص ۱۳.

بود و دیگر درباریان معاشر شده، بنابراین اگر سنّ او را در این تاریخ سی سال فرض کنیم، می توان حدس زد که تولّد وی در سال ۷۵۲ اتفاق افتاده است.^۱

در سال وفات حافظ ابرو نیز میان مورخان اختلاف است. فصیح خوافی فوت او را روز یکشنبه سوم شوال ۸۳۳ می داند و عبدالرزاق سمرقندی ۸۳۴ بی گمان قول فصیح صحیح است، زیرا هنگامی که حافظ ابرو در خدمت امیر تیمور و پسرش شاهرخ به سر می برد، فصیح خوانی نیز در شمار مورّخان و منشیان دربار تیموری و معاصرو معاشر حافظ ابرو بوده است. در صورتی که عبدالرزاق سمرقندی زمان مرگ حافظ ابرو ۱۸ ساله بود و هنوز به دربار شاهرخ راه نیافته بود، اما در این هنگام از عمر فصیح تقریباً پنجاه و شش سالی می گذشت و در دربار به کارهای دیوانی اشتغال داشت.^۲

در سال ۸۳۳ هنگامی که شاهرخ از آذربایجان به خراسان بازمی گشت و حافظ ابرو ملتزم رکاب وی بود، در محلی به نام «سرخم» نزدیک شهر زنجان بیماری بروی عارض شد و همانجا درگذشت. جنازه اش را به شهر زنجان منتقل کردند و در جوار مزار شیخ ربانی ابوالفرج زنجان به خاک سپردند.^۳

مردم خواف بر این باورند که جنازه حافظ ابرو بعدها به دستور غیاث الدین پیر احمد خوافی از زنجان به خواف منتقل و در محلی که به نام «مزار بابا عبدالله» معروف است، به خاک سپرده شده و این محل هم اکنون مورد احترام و زیارتگاه مردم است، لکن از منابع موجود در باب حمل جنازه از زنجان به خواف اطلاعی به دست نمی آید.

حوادث مهم زندگی حافظ ابرو

مهم ترین رویداد زندگی این مورّخ سفر است. وی بسیاری از سال های عمرش را در سیرو سفر گذرانید و از این راه با بسیار کسان آشنا شد. بنا بر اعتراف خود مدّتی مدید در سفرهای بعید از خاور تا باختر و از شمال تا جنوب در رکاب امیر تیمور پیمود. خود گفته است که سرزمین هایی همچون ماوراءالنهر، ترکستان، دشت قبیچاق، خراسان، عراق، فارس، آذربایجان، ارّان، مغان،

۱. این حدس از خانابا بیانی است گرچه استاد، تاریخ تولّد حافظ ابرو را ۷۵۸ می داند، نک. ذیل جامع التواریخ رشیدی، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. جلال الدین محمد خوافی، مجمل فصیحی، به تصحیح و تحشیه محمود فتح، مشهد، کتاب فروشی باستان، ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۲۶۶.

گرجستان، ارمنستان، روم، شام، سواحل فرات، موصل، دیاربکر، سواحل دریای خزر، دربند، شروان، گیلان، آمل، ساری، جرجان، زابل، کابل، هند، مولتان، دهلی و بسیاری از دیگر شهرها و سرزمین‌ها را همراه امیر تیمور بوده است.

در این سفرها خونریزی‌ها و غارت‌ها از فاتح گورکان دیده بود و شاهد کشتارهای بزرگ و وحشیانه، مثله کردن، سربریدن، کله منار ساختن و تخریب بلاد و زیر و رو کردن قلعه‌ها و برج‌های فراوان بوده است که ظاهراً فاتح گورکان همه این اعمال نفرت‌انگیز را در شمار افتخارات خویش می‌داند؛ اما در نظر تاریخ‌نگاری تیزبین چون حافظ ابرو همه این افتخارات جز فجایعی ننگین و اعمالی شرم‌آور چیزی دیگر نمی‌توانست باشد. او از این سفرها تجربه‌ها اندوخت و اندیشه و فکر وی پخته شد و هنگامی که به نوشتن حوادث زمان خویش دست یازید از این سفرها و مشاهدات بهره‌ها جست و این خاطرات تلخ را به خوبی به رشته تحریر درآورد.

اعتقادات و دیدگاه‌های مذهبی

مضمون نوشته‌های حافظ ابرو مؤید این نظر است که وی مسلمانی معتقد و پیرو مذهب سنت و جماعت بوده است. او در آغاز هر کتابش فصلی در نیایش پروردگار عالم پرداخته و پس از آن در ستایش پیامبر گرامی اسلام و خاندان پاک و یاران بزرگوار آن رسول گرامی سخنانی نیکونگاشته و از چهار یار معروف رسول الله نزد اهل سنت و جماعت به خیرالرفقاء اربعه، تعبیر نموده که شریعت محمّدی به مجاهدت ایشان بنیاد گرفته و برهان طریقت به موافقت آنان گسترش یافته و ایشان را مصداق آیات والسابقون، اولئک المقربون شمرده و در ستایش آنان این بیت خاقانی را آورده است:

بی‌مهر چار یار درین پنج روزه عمر نتوان خلاص یافت ازین ششدرِ عنا^۱

قاضی نورالله شوشتری حافظ ابرو را پیرو مذهب شافعی شمرده است،^۲ لکن به دلایلی که اشاره خواهد شد گمان نمی‌رود که این قاضی در داوری خود درست رفته باشد. باور ما - به چند دلیل - این است که حافظ ابرو بر مذهب حنفی بوده است:

۱. ذیل جامع التواریخ رشیدی، ص ۱۲.

۲. منوچهر مرتضوی: مسائل عصر ایلخانان، انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۵۴.

نخست اینکه بیشتر مردم جنوب و شرق خراسان در آن روزگار حنفی مذهب بودند و مندرجات کتاب روضات الجنّات فی اوصاف مدینه هرات مؤید این نظر است. دوم اینکه مردم زادگاه حافظ ابرو، بهدادین، هنوز هم بر این مذهب اند؛ و سوم اینکه امیر تیمور و فرزندان او که حنفی مذهب بودند، ترجیحاً منشیان و موزّخان دربار را از میان پیروان این طریقه برمی‌گزیدند؛ به‌ویژه کسی چون حافظ ابرو که در سفر و حضر ملتزم رکاب بود و با بازی شطرنج خویش اسباب فرح و آرامش خاطر امیر را فراهم می‌آورد. بنابراین مشکل است بتوان پذیرفت که این کمینه بندگان، باوری جز بر مشرب فاتح گورکان داشته باشد.

نگاهی به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار حافظ ابرو

دوران زندگی حافظ ابرو از دوره‌های پر آشوب تاریخ ایران است. اوایل زندگی این تاریخ‌نویس مصادف است با اواخر حکومت ایلخانان که بیشتر دوره کودکی و نوجوانی اش را در بر می‌گیرد. سال ۷۸۲ که سال پیوستن حافظ ابرو به دربار تیمور است، برابر است با آغاز یورش‌ها و حملات او به شهرهای مختلف ایران.

با حملات تیمور دولت‌های متعدّد محلی ایران در سیستان، خراسان، مازندران، آذربایجان، فارس و دیگر نقاط برافتاد و خاندان‌های ایرانی که در این نواحی کم و بیش سرگرم احیای فرهنگ از هم گسیخته ایرانی بودند، نابود شدند. تیمور همه هنرمندان، صنعتگران، عالمان و بزرگان را که اینجا و آنجا می‌یافت، همراه خود به سمرقند برد و تمام غنایم و ثروت‌های بی‌کران را که خود و سردارانش از بلاد مفتوح ایران و عراق و آسیای صغیر و هند فراهم آورده بودند، به سمرقند انتقال داد تا آنجا را که مرکزیک امپراتوری نوخاسته بود، آبادانی و شکوهی خاص بخشید. او در شعبان ۸۰۷ هنگامی که به فتح چین می‌رفت، سرپر غرور خود را به خاک سیاه برد و جهانی را از شرّ خویش آسوده ساخت.

تیمور در زمان زندگی اش فتوحات خود را به دو بخش تقسیم کرده بود: خراسان و گرگان و مازندران و سیستان را به شاهرخ واگذاشته بود که در هرات مستقر بود و مغرب ایران و ارمنستان را به میرزا جلال‌الدین میرانشاه. این میرانشاه در زمان حیات پدر بر اثر فروافتادن از اسب، پریشان فکر و دیوانه شد. با این حال حکومتش ادامه یافت تا به سال ۸۱۰ به دست قرايوسف ترکمان به قتل رسید.

شاهرخ میرزا که از همه فرزندان تیمور، به‌روزتر و کارآمدتر بود، توانست ممالک پدر را تا حدّی از آشفتگی برهاند. او مردی بود دیندار، دادگر، صلح‌جو، بخشنده و دوستدار علم و ادب و حامی

دانشمندان و ادیبان و خواهان آبادی و در همان حال لشکرکشی پیروز و کامیاب و شاعرو خوشنویس و هنردوست و دوستدار زبان و ادب فارسی.

وی مقرّ حکومت خود، هرات را به صورت مرکزی فعالّ برای ادبیات و علوم و هنر درآورد و آن شهر را محلّ اجتماع دانشوران و ادیبان و شاعران و خطاطان و نقّاشان و هنرمندان قرار داد. تألیف و تصنیف کتب را تشویق می کرد و یکی از عوامل اساسی رونق هنر و ادبیات در عهد تیموری بود، حافظ ابرو بسیاری از تألیفاتش را به اشاره همین شاهرخ به رشته تحریر و تألیف درآورده است.

از میان فرزندان شاهرخ، میرزا غیاث الدّین بایسنغر نیز از عوامل اصلی رونق هنر و ادبیات در این عهد است که بر سیرت پدر می رفت و ادیبان و شاعران و هنرمندان را بزرگ می داشت و خود شاعرو خوشنویس ماهری بود، چنانکه اقسام خط را به درجه استادی می نوشت. رقم استادانه او بر طاق و پیرامون سردر مسجد گوهرشاد، که آیاتی از قرآن مجید را نوشته، ظاهراست و نیز قرآن معروف به قرآن بایسنغری که تمام قرآن را به خط خوش نوشته، هم اکنون در موزه قرآن آستان قدس رضوی مشهد موجود است. بدین سبب مجلس او در هرات مجمع ارباب فضل و هنر بود و به سبب علاقه ویژه‌ای که به نسخه‌های نفیس داشت گروهی محرّر و نقّاش و صحاف در دستگاه خود داشت تا کتابخانه‌اش را به آثار نفیس مزین سازند. از جمله همین نسخه‌هاست شاهنامه بایسنغری که از آثار هنری بسیار ارزنده ایرانی است. این شاهنامه که در سال ۸۲۹ تحریر یافته، مشتمل است بر مقدمه‌ای سودمند که بنا بر اظهار نظر دکتر خانبابا بیانی، حافظ ابرو به اشاره بایسنغر میرزا این مقدمه را تدوین کرده است.^۱ جزاین، حافظ ابرو شماری از آثار خویش را به تشویق همین بایسنغر میرزا تدوین کرده و یکی از مجلدات چهارگانه تاریخ خویش یعنی زبدة التواریخ بایسنغری را به نام او گردانیده است.^۲

جز تشویق شاعران و هنرمندان و خطاطان که از آن سخن رفت، تاریخ نگاری از مشخصات مهمّ فرهنگی این دوره است، نهضتی که در روزگار تسلّط مغولان در تاریخ نویسی آغاز شده بود، در این عصر گسترش و تنوّع فراوان یافت.

مغولان مانند دیگر مردم صحرانشین و بیابان گرد به اخبار و احادیث فرمانروایان خود و شرح جنگ‌ها و فتوحات آنان و سرگذشت پدران و نیاکان خویش و بیگانه دلبستگی فراوان داشتند، چنین است که در روزگار حکومت آنان و در عصر تیموریان که به راست یا دروغ خویشتن را به

۱. ذیل جامع التواریخ رشدی، صص ۳۱۷ - ۳۲۱.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره اوضاع سیاسی روزگار تیموریان، رک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش اول. صص ۳۶ - ۲۸ رج ۴، ص ۴ به بعد.

چنگیز وابسته می‌شمردند، کتاب‌های فراوانی در زمینه تاریخ و سیر و انساب به رشته تحریر و تألیف کشیده شد. تاریخ‌نویسی در این دوره، هم از لحاظ کیفی مهم است و هم از لحاظ کمی. تیمور شخصاً به ثبت وقایع و حوادث عهد خود توجه و علاقه داشت و کسانی را بدین کار می‌گماشت. این شیوه را فرزندان و فرزندزادگان او نگاه داشتند و ترکمانان نیز طریقه تیموریان را در این راه تعقیب کردند. در نتیجه تاریخ‌نویسی از ابتدا تا انتهای این روزگار همان رونق دو قرن پیش را حفظ کرد و در همان حال که تألیف کتاب‌هایی درباره بعضی سلسله‌های سلاطین، از رواج پیشین نیفتاده بود؛ توجه به تألیف تاریخ‌های منظم عمومی صورت آراسته و کامل‌تری از پیش حاصل کرد.^۱

حافظ ابرو در چنین روزگاری بالید و حوادث شگفت‌آوری که در زمان وی رخ داد و خود بسیاری از آن حوادث را شاهد بود، دست‌مایه خوبی شد برای این موزع نامی که بعدها در تألیف آثار به کارش آمد و از آن‌ها به خوبی بهره برد.

معرفی و نقد آثار حافظ ابرو

در میان رشته‌های گونه‌گون دانش، تعلق خاطر حافظ ابرو بیش از همه به تاریخ است. آثاری هم که از او باقی مانده، بیشتر در همین زمینه است، گرچه در جغرافیا نیز اثری معتبر از وی در دست داریم که بیشترین مقدار آن را ترجمه کرده است. او از ذوق شعری نیز بی‌بهره نبود، در ضمن نقل بسیاری از حوادث تاریخی اشعاری مناسب آورده که جز خود او برای آن ابیات شاعری نمی‌شناسیم؛ اما همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، شهرت او در تاریخ‌نویسی است. وی تاریخ عمومی ایران را با کشورهای که با آن پیوستگی دارد تا زمان مرگ خویش گردآورده و با زبانی ساده و روان به نگارش درآورده است. مهم‌ترین آثار او عبارتند از:

الف: ذیل جامع‌التواریخ رشیدی. خواجه رشیدالدین فضل‌الله کتابی دارد در تاریخ عمومی و تاریخ مغول به نام جامع‌التواریخ رشیدی، که به دستور غازان خان آن را تألیف و پس از وی به فرمان اولجایتوآن را تکمیل کرد و در سال ۷۱۰ به پایان برد. قسمت اصلی و مهم کتاب، تاریخ مبارک غازانی است که دارای اطلاعات بسیار مهم است درباره طوایف مغول و تاتار. وقایع این کتاب به مرگ غازان خان یعنی به حوادث سال ۷۰۳ ختم می‌شود.

حافظ ابرو به اشاره شاهرخ میرزا به جمع و تدوین وقایع پس از مرگ غازان خان تا سال ۸۲۰ مأموریت یافت و نگارش آن را به انجام رسانید و آن را ذیل جامع التواریخ رشیدی نام نهاد. این کتاب که به همت خانابا بیانی به چاپ رسیده شامل حوادث تاریخی است از آغاز سلطنت اولجاتیو (سال ۷۰۳) تا پایان حکومت آغچکی در عراق عرب (شوال ۷۹۵) و نویسنده بقیه حوادث را به کتاب ظفرنامه حواله کرده است.

ب: تاریخ آل مظفر. این کتاب سرگذشت مظفریان است از سال ۷۱۳ تا ۷۹۵ که در فارس و کرمان و کردستان به استقلال فرمانروایی کردند. آخرین پادشاه این خاندان شاه منصور بود که در سال ۷۹۵ به شمشیر امیر تیمور کشته شد و مظفریان منقرض شدند.

پ: تاریخ ملوک گرت. گرت‌ها طبقه‌ای از ملوک شرق ایران بودند از نژاد غوریان که از سال ۹۹۲ تا ۷۸۳ حکومت رانده‌اند و پایتخت آنان هرات بود. آخرین فرد این خاندان غیاث‌الدین است که امیر تیمور در سال ۷۸۳ او را مغلوب کرد و با پسرش به ماوراءالنهر فرستاد و چهار سال بعد به سال ۷۸۷ این غیاث‌الدین به فرمان امیر تیمور به قتل رسید و سلسله امیران آل گرت منقرض شد.

حافظ ابرو شرح حکومت و پادشاهی این خاندان را به دستور شاهرخ تنظیم کرد. در این کتاب او برخی از اطلاعات خود را از منابع پیشین و بعضی دیگر را از افراد ثقه‌ای که حوادث را به رأی العین مشاهده کرده‌اند، برگرفته و به ثبت و ضبط وقایع پرداخته است.

ت: رساله‌ها. وی دارای چهار رساله کوچک است: رساله اول در باره پادشاهی تغای تیمور بن سودای کاون که به سال ۷۰۹ به دست سربداران کشته شد. رساله دوم در پادشاهی امیر ولی شیخ علی هندوست که از موالی تغای تیمور بود و در سال ۷۸۶ تیمور او را از حکومت جرجان معزول کرد. رساله سوم در تاریخ امرای سربداری است که پس از نیم قرن حکومت بر قسمت مهمی از خراسان به سال ۷۸۳ به دست امیر تیمور برافتادند. رساله چهارم درباره امیر ارغون شاه و عاقبت حال اوست که به گفته حافظ ابرو امیری عادل و فرماندهی منصف بود از قبیله اویرات و از خویشان چنگیز. این چهار رساله را همراه با یک رساله دیگر فلیکس تاؤر خاورشناس چک تحت عنوان پنج رساله تاریخی درباره حوادث دوران امیر تیمور از مؤلفات حافظ ابرو منتشر کرده است.

ث: تاریخ حضرت صاحبقرانی امیر تیمور گورکانی

ج: ذیل ظفرنامه نظام الدین شامی. ظفرنامه تاریخی است درباره زندگی امیر تیمور و مطالب آن تا حوادث سال ۸۰۶ (یک سال پیش از مرگ تیمور) را دربرمی‌گیرد. حافظ ابرو ادامه نگارش و تنظیم حوادث را برعهده گرفت و آن را ذیل ظفرنامه نامیده است. این کتاب نیز به همت همان

خاورشناس چک، فلیکس تاؤر، ضمن ظفرنامه نظام الدین شامی به چاپ رسیده است. چاپ دیگری نیز از ذیل ظفرنامه به سال ۱۳۲۸ به اهتمام دکتر بهمن کریمی سامان یافته است. چ: تاریخ شاهرخ میرزا. در خصوص زندگی شاهرخ میرزا که تا حوادث سال ۸۱۹ را شامل می-شود.

ح: مجمع التواریخ سلطانی. در سال ۸۲۶ بایسنغرمیرزا فرزند شاهرخ مؤرخ دربار پدر را برآن داشت تا تاریخی بنویسد شامل تمام وقایع از آغاز خلقت تا زمان وی. حافظ ابرو آغاز به کار کرد و این اثر سترگ را در چهار جلد نوشت که به طور خلاصه شامل مباحث زیر است:

جلد اول مربوط است به زندگانی پیامبران و اساطیر کهن ایرانی و تاریخ ایران تا پیروزی اعراب. جلد دوم در احوال پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین و بنی امیه و بنی عباس تا حوادث سال ۶۵۶ که سال سقوط خلافت عباسی است به دست هلاکوخان مغول. جلد سوم شامل تاریخ ایران بعد از اسلام است که به حوادث سال ۷۳۹ (زمان مرگ ابوسعید) ختم می شود و خلاصه ای است از ذیل جامع التواریخ رشیدی که از منابع ناشناخته یا از روایات شفاهی برگرفته شده است. جلد چهارم عنوان خاص زبدة التواریخ بایسنغری یافته است و کسانی که تمام تاریخ حافظ ابرو را به این عنوان خوانده اند به اشتباه رفته اند. زبدة التواریخ به دو بخش تقسیم می شود: بخش نخست به بررسی زندگی تیمور اختصاص دارد و وقایع سال های ۷۳۶ تا ۸۰۷ (سال مرگ تیمور) را شامل می شود. این بخش در واقع رونوشتی است از ظفرنامه نظام الدین شامی که حافظ ابرو مطالبی از این سوی و آن سوی گردآورده و به آن افزوده و در تصحیح و تکمیل آن کوشیده است. بخش دوم شامل حوادث سال های ۸۰۷ تا ۸۳۰ و مربوط است به حوادث سلطنت زمان شاهرخ تیموری و شرح و بسط همان تاریخ شاهرخ میرزا که وقایع پس از ۸۱۹ را به آن افزوده است. این زبدة التواریخ به ویژه ۲۲ سال نخست حوادث سلطنت شاهرخ آن جزو بهترین منابع و یگانه مأخذ علمی و شالوده کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین عبدالزاق سمرقندی و مورخان پس از اوست.^۱ قسمتی از کتاب مجمع التواریخ سلطانی که مربوط است به سرگذشت خلفای علوی مغرب و مصر و نزاریان، به اهتمام محمد مدرسی زنجانی در سال ۱۳۶۴ شمسی به چاپ رسیده است.

خ: جغرافیای حافظ ابرو. در سال ۸۱۷ نسخه هایی از مسالک الممالک عبدالله بن محمد خردادبه و صور الاقالیم محمد بن یحیی را به پادشاه تیموری، شاهرخ میرزا عرضه داشتند؛ این امر پادشاه تیموری را برآن داشت که به حافظ ابرو مأموریت دهد تا جغرافیای کاملی به زبان فارسی

۱. برای اطلاع بیشتر: دایرة المعارف اسلام (متن انگلیسی)، ج ۲، ص ۵۸.

تألیف کند. نویسنده که مدتی مدید را در سفرهای دور و دراز به سربرده بود و چند نوبت از جانب غرب و شمال و شرق و جنوب در رکاب امیر تیمور از این سرعالم تا آن سررفته بود، با تکیه بر همان دو کتاب و دیگر مآخذ مانند جهان نامه محمد بن نحیب بکران و سفرنامه ناصر خسرو و قانون البلدان و دیگر رساله ها و جنگ ها و یادداشت های موجود و با توجه به آنچه از افراد معتبر و مورد اعتماد شنیده بود، پس از مقایسه و مقابله با یکدیگر آنچه را درست و استوار تشخیص داد به کار گرفت و تا سال ۸۲۳ که به این کار اشتغال داشت، کتابی در جغرافیای عالم تألیف و تقدیم شاهرخ نمود.

این اثر که ظاهراً نامی ندارد و معروف است به جغرافیای حافظ ابرو هنوز متن کامل آن به چاپ نرسیده و مشتمل است بر دو مجلد. حافظ ابرو به عنوان یک مؤرخ در این اثر توانست از زیر بار میل باطنی خود بگریزد و عشق به تاریخ را در خویش سرکوب کند. به همین دلیل است که در این اثر جغرافیایی نیز چنانکه خواهد آمد. بخش های تاریخی متعددی دیده می شود.

جلد نخست این کتاب در شرح ممالک ربع مسکون و دریاها، رودها، کوه ها و بیابان هاست. نویسنده پس از فراغ از شرح همه این موارد به ذکر حاکمان و پادشاهان کرمان و فارس پرداخته است. مجلد دوم درباره خراسان است و حکام و سلاطین آن از ابتدای فتح سپاهیان عرب تا دوران تیمور و حوادث دوران سلطنت شاهرخ تا سال ۸۲۳.^۱

نویسنده در این کتاب ضمن تشریح و بیان احوال هر ناحیه نقشه هایی از کره زمین و نواحی مختلف ترسیم کرده و از این راه خواسته است به اثر ارزشمند خویش اهمیت دهد و آن را مستند و مصور سازد. این کتاب جغرافیا گرچه به اعتراف مؤلف، قسمت بیشتر آن از منابع دیگری که اشاره شد ترجمه و اقتباس گردیده، مع ذلک فصولی در آن هست که نتیجه کاوش و پژوهش های شخصی نویسنده است و اطلاعاتی با ارزش و گران بها از اوضاع جغرافیایی مکان های مختلف، مخصوصاً ایران، هندوستان و بین النهرین به ما داده که بعدها مورد استفاده دیگر نویسندگان قرار گرفته است. قسمتی از این کتاب تحت عنوان جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، به اهتمام رضا مایل هروی (تهران، ۱۳۳۹) به چاپ رسیده و قسمت دیگری از آن تحت عنوان جغرافیای تاریخی خراسان به تصحیح غلامرضا وهرام در سال ۱۳۷۰ چاپ شده است.

۱. همان مأخذ، همان جلد، ص ۵۷ و نیز نک: ذیل جامع التواریخ رشیدی. ص ۵۲ به بعد.

سبک و روش حافظ ابرو در تاریخ‌نویسی

حافظ ابرو از مؤرخان موثق و معروف دوران تیموری است که به دقت در ضبط وقایع و صحت گفتار معروف است. او به رموز و آیین و فنّ تاریخ‌نویسی آگاهی کامل داشت و در این باب فصلی نیز در تعریف و فواید تاریخ در کتاب خود آورده است. وی به واسطه تجربه‌ای که در چند سال ملازمت نزدیک امیر تیمور اندوخته بود، به اوضاع و احوال و امور سیاسی زمان خود آگاهی کامل داشته است و در دوران زندگی خود آنچه را شخصاً دیده یا از دوستان موثق شنیده، بدون مبالغه و گزافه به قلم آورده است و به خلاف بسیاری از نویسندگان چاپلوس و متظاهران زمان که از خوان نعمت تیمور و فرزندان‌ش برخوردار بوده‌اند و او را مؤید به تأیید الهی جلوه داده و افعال و کردارش را نتیجه خواسته‌های خداوندی شمرده‌اند، وی حوادث زمان و ماجراهای دوران تیمور و شاه‌رخ میرزا را به طور عادی بیان کرده، وقایع لشکرکشی‌ها، تدابیر جنگی، نیرنگ‌ها، پیمان‌شکنی‌ها، خونریزی‌ها و کشتارهای وحشیانه تیمور را که هیچ‌کس انکار آن نتوانسته است، آن‌طور که اتفاق افتاده وصف کرده و صفات پسندیده، هوش، زیرکی، متانت، بلندنظری و احاطه و علاقه تیمور و فرزندان‌ش را به تاریخ و سیرملوک نیز چنانکه دریافته، به نگارش درآورده است.

حافظ ابرو در تنظیم تاریخ خود کم‌تر به وقایع و حکایات خالی از حقیقت و اغراق آمیز و افسانه پرداخته است و در منقولات خود غالباً جانب حقیقت و راستی را گرفته است. حتی الامکان کوشیده است مطالب خود را با عباراتی ساده بیان کند و در آغاز هر فصل، فهرستی از منابع مآخذی را که مورد استفاده وی بوده، یاد کند. بدین ترتیب حافظ ابرو با پشتکار و رنج فراوان توانست یک دوره تاریخ عمومی ایران و تاریخ کشورهای را که به ایران پیوستگی داشته‌اند تا نزدیک به زمان مرگ خود بنگارد.

او با همه امکاناتی که در اختیار داشت تاریخ‌نویسی را هیچ‌گاه وسیله امرار معاش نکرد و گرد تملّق و چاپلوسی نگشت و با کمال خضوع و فروتنی به کمبود سرمایه علمی خویش اعتراف نمود و از ارباب دانش درخواست کمک و اغماض کرد.^۱

نثر حافظ ابرو در همه آثارش بسیار روان و عاری از تکلف و تصنع است. او برخلاف مؤرخانی که پیش از وی در قرن هفتم و هشتم سرگرم کار بودند در تألیف کتاب‌هایش نثر منشیانه متکلف ندارد و ساده‌نویسی است که توجّه عمده خود را به بیان مطالب و سعی در درستی آن‌ها معطوف

۱. ذیل جامع‌التواریخ رشدی، ص ۱۴؛ همچنین برای آگاهی از نحوه داوری‌ها و حقیقت‌گوی این مؤرخ به عنوان نمونه رک: همین مآخذ، صص ۱۲۶ - ۱۲۹.

کرده است و شاید به همین سبب باشد که خطاهای جاری در انشای مؤلفان عهد تیموری کمتر بر قلم او رفته است.^۱

تأثیر حافظ ابرو بر نویسندگان پس از خود

با این که حافظ ابرو کتاب هایش را با زبانی ساده و روشن نگاشته است، از لحاظ هنر نویسندگی در مرتبه والایی قرار ندارد؛ به عبارت دیگر او موّخی است که در عین امانت داری در نقل حوادث و وظیفه خود را به درستی انجام داده است، اما نویسنده‌ای هنرمند نیست. ارزشمندترین اثر وی جلد چهارم مجمع‌التواریخ است، به ویژه بخش دوم آن که همان زبدة‌التواریخ بایسنغری باشد. سه جلد نخستین این کتاب مطلب چندان تازه‌ای ندارد و در حقیقت ترجمه و رونوشتی است از مآخذ پیشین که نویسنده با سادگی و دقت و صداقت اما بدون تحلیل و نتیجه‌گیری کافی مطالب را نقل کرده است. در عوض زبدة‌التواریخ که اثری است تازه و ریخته فکر و قلم خود او، ارزشی ویژه دارد. همین زبدة‌التواریخ است که پس از حافظ ابرو شالوده‌تالیفات بسیاری از موّرخان پس از او قرار گرفته است.

حافظ ابرو در معرفی آثار خود، عزّت نفس خاصی دارد. وی خود را در تاریخ‌نویسی حقیر و ناچیز می‌پندارد و هیچ‌گاه خویشتن را با دیگر تاریخ‌نگاران مقایسه نمی‌کند. خود را راقم کلماتی پریشان و محزّر مقالاتی بی‌سامان و خاک گام‌های تاریخ‌نگاران معرفی می‌کند،^۲ اما حق‌گویی و واقع‌نویسی و دقت او در ثبت و ضبط و نگارش حوادث و وقایع باعث شد که آثارش پس از درگذشت وی به سرعت مورد توجه، تحسین و تقدیر پژوهندگان و تاریخ‌نگاران هم‌عصر و زمان‌های بعد قرار گیرد. دو نویسنده دیگر یعنی میرخواند نویسنده روضة‌الصفاء و خواندمیر نگارنده حبیب‌السیر نیز از آثار حافظ ابرو استفاده شایان برده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که آثار این موّرخ، در نیمه دوم قرن نهم و نیمه نخست سده دهم در ایران کاملاً شناخته شده و سند اصلی تاریخ‌نویسان آن عصر بوده است.

جغرافیای حافظ ابرو نیز پس از وی مورد استفاده نویسندگان قرار گرفته است. برخی از خاورشناسان اروپایی نیز آثار و تالیفات او را مورد مطالعه قرار داده و قسمتی از مجموعه تاریخی وی را به چاپ رسانده یا در شرح حال و معرفی آثار او مقالاتی منتشر کرده‌اند. از آن میان نام

۱. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۸۹

۲. ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، صص ۱۴ و ۱۵.

فلیکس تاؤر خاورشناس چک شایان یادآوری است که سال‌های متمادی در خصوص این تاریخ‌نگار ایرانی مطالعه و تحقیق کرده و نسخه‌هایی از آثار او را از هرجای ممکن جمع آورده و ضمن انتشار مقالاتی به معرفی آن‌ها پرداخته و قسمتی از مجموعه تاریخی او را نیز به چاپ رسانده است. مقاله محققانه حافظ ابرو، در جلد دوم دایرةالمعارف اسلامی نیز به قلم همونوشته شده است.

این بود شمه‌ای در باب زندگی و اندیشه‌های مردی که بیشتر سال‌های زندگی‌اش را در تألیف و نگارش و مطالعه گذرانید و از این راه به تاریخ و فرهنگ سرزمین خویش خدمت کرد. حافظ ابرو دقیقاً تا سال ۸۳۰ یعنی سه سال پیش از مرگ خویش به تصنیف و تحریر مشغول بود و آنی از وظیفه‌ای که بر عهده گرفته بود غافل نبود.

با وجود شهرت فراوانی که وی در میان اقران خود و آشنایان به تاریخ و فرهنگ ایران چه در روزگار خویش و چه در زمان ما دارد، سوگمندانه هنوز هم مجموعه آثارش به گونه‌ای شایسته به چاپ انتقادی نرسیده و چشم به راه دستی نستوه است تا از آستین همت فرهیخته‌ای جوان و پرحوصله به درآید و این مهم را به سامان برساند. ان شاء الله تعالی.^۱

۱- این مقاله ۲۱ سال پیش نگارش یافته و در شماره ۵ فصلنامه خراسان پژوهی (بهار و تابستان ۱۳۷۹) چاپ شده است. اکنون که با پشتکار و همت آقای محسن فاتحی چاپ منقح بخشی از تاریخ حافظ ابرو روانه بازار می‌شود در حقیقت آرزوی من به دست این محقق جوان و برومند و خستگی‌ناپذیر برآورده می‌شود. توفیق ایشان را از درگاه پروردگار جهانیان آرزومندم.

فهرست مطالب

- وقایع سال ۸۰۷ هجری ۵۵
- حکایت رسیدن خبر واقعه به خراسان و جلوس بندگی حضرت سلطنت شعاری - خَلَد
 - ۵۷..... الله مُلَکَه و سُلطَانَه -
 - مضمون کلماتی که خواص حضرت به عرض رسانیدند
 - ذکراحوال امرایی که در اردوی حضرت صاحبقرانی بودند و جلوس کریم جهان، خلیل
 - سلطان بهادر به تخت سمرقند ۶۴
 - ذکر توجه حضرت سلطنت شعاری به جانب سمرقند و مرمت فرمودن شهر مبارک هرات ۶۸
 - مضمون رسالت ایلچی حضرت سلطنت شعاری به خلیل سلطان بهادر
 - مضمون رسالت ایلچی خلیل سلطان بهادر به حضرت سلطنت شعاری
 - مضمون کلمات حضرت سلطنت شعاری به خلیل سلطان بهادر
 - ذکریاگی گری سلطان علی سبزواری و رفتن امیر سعید خواجه و لشکرها بدان طرف و
 - جنگ پیرک پادشاه و هزیمت شدن او ۸۲
 - ذکراحوال امیرزاده امیرانشاه بهادر و فرزندان او؛ ابابکرو عمر بهادران بعد از وفات
 - حضرت صاحبقرانی ۹۰
 - ذکر مخالفت امیر جهانشاه بن چاکو و کشته شدن او و کیفیت آن ۹۶
 - ذکر فرزندان امیرزاده اعظم عمر شیخ بهادر و قضایایی که بعد از وفات حضرت
 - صاحبقرانی در ممالک فارس و عراق عجم به وقوع پیوست ۱۰۲
 - کلماتی که امیرزاده پیرمحمد به امرا گفت
 - مضمون مکتوبی که امیرزاده پیرمحمد به حضرت سلطنت شعاری نوشت
 - جواب حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده پیرمحمد بهادر
 - مضمون رسالت ایلچی امیرزاده اسکندر به امیرزاده پیرمحمد
 - مضمون مکتوب امیرزاده پیرمحمد به امیرزاده اسکندر
 - پیغام امیرزاده رستم به امیرزاده پیرمحمد در مورد امیر سعید برلاس
 - حکایت فرزندان امیرزاده جهانگیر بن امیر صاحبقران بعد از واقعه حضرت صاحبقرانی ۱۱۶

- وقایع سال ۸۰۸ هجری ۱۱۸
- حکایت تتمه قضایایی که در خراسانات به ظهور آمد و به وقوع پیوست ۱۱۹
 - مضمون مکتوب حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده امیرانشاه گورکان
 - جواب امیرزاده امیرانشاه گورکان به حضرت سلطنت شعاری
 - عرضه داشت امیر سعید خواجه و امیر مضراب بهادر به امیرزاده امیرانشاه
 - ذکر آن چه درین سال سنه ثمان و ثمانمائیه در ممالک عراق و آذربایجان واقع شد ۱۲۴
 - ذکر احوال و اوضاع امیرزاده ابابکر بهادر بعد ازین قضایا و محاکا ۱۳۴
 - ذکر رسیدن امیرزاده ابابکر بهادر به تبریز ۱۳۶
 - ذکر توجه امیرزاده عمر به طرف اصفهان و فارس ۱۳۸
 - آن چه امیرزاده عمر با امیرزاده رستم گفت
 - جنگ امیرزادگان عمر، رستم، اسکندر و پیرمحمد با امیرزاده ابابکر در حدود درگزین
 - حکایات و قضایایی که در این سال سنه ثمان و ثمانمائیه در خراسان به وقوع پیوست، ذکر کشته شدن سلطان حسین و سبب آن ۱۴۴
 - سخنان امرا و ارکان دولت و اعیان در باب امیرزاده سلطان حسین
 - ذکر مخالفت و یاغی گری امیرزاده سلیمان شاه ۱۵۱
 - مضمون رسالت امیر عبدالصمد پیش امیر سلیمان شاه
 - پاسخ امیر سلیمان شاه به پیغام بندگی حضرت سلطنت شعاری
 - ذکر قضایایی که در این سال سنه ثمان و ثمانمائیه بعضی در خراسان و بعضی در ماوراءالنهر به وقوع پیوست و حرب امیرزاده پیرمحمد بن جهانگیر با امیرزاده خلیل سلطان بهادر، حکایت توجه امیرزاده الغبیک گورکان به جانب اندخود و شبورغان ۱۵۸
 - حکایت محاربه امیرزاده پیرمحمد و امیرزاده کریم خلیل سلطان بهادر ۱۶۰
 - عرضه داشت خلیل سلطان بهادر به حضرت سلطنت شعاری
 - پاسخ حضرت سلطنت شعاری به خلیل سلطان بهادر
 - ذکر مخالفت امیر سعید خواجه بن شیخ علی بهادر ۱۶۷

وقایع سال ۸۰۹ هجری ۱۷۲

- ذکر حوادث و وقایع سنه تسع و ثمانمائنه و توجه بندگی حضرت بالشکرها به جانب طوس و مشهد مقدس ۱۷۲
 - رسیدن نوکر امیرزاده عمر بهادر
 - مکتوب حضرت سلطنت شعاری به پیرپادشاه در مورد امیر سعید خواجه
- ذکر شکاری که در آن نواحی کردند ۱۸۰
- ذکر رسیدن امیرزاده عمر بهادر پیش بندگی حضرت سلطنت شعاری ۱۸۳
 - عرضه داشت پیرپادشاه به حضرت سلطنت شعاری
- ذکر جنگ مازندران و انهزام پیرپادشاه و امیر سعید خواجه بهادر ۱۸۵
- ذکر تفویض ممالک مازندران به امیرزاده عمر و خراسان به امیرزاده الغ بیک بهادر گورکان ۱۹۱
- ذکر شهید شدن امیرزاده پیرمحمد بن جهانگیر بردست پیرعلی تاز لعین ۱۹۴
- ذکر مخالفت امیرزاده عمر بهادر بن امیرزاده امیرانشاه بهادر با حضرت سلطنت شعاری ۲۰۰
 - مکتوب امیر شاه ملک به حضرت سلطنت شعاری در مورد مخالفت امیرزاده عمر
- ذکر فرستادن لشکر به جانب غور و غوریان ۲۰۷
 - درخواست امرا و نواب از حضرت سلطنت شعاری به جهت فسخ عزیمت غور
 - تحویل امیرزاده عمر بهادر از سرای غرور به دارالقرار
 - عرضه داشت امرا در مورد غوریان
- ذکر واقعات و حالاتی که هم در این سنه تسع و ثمانمائنه در آذربایجان و عراق به وقوع پیوست ۲۱۳
 - بازگشت امیر شیخ ابراهیم از تبریز به شروان
 - درآمدن سلطان احمد به تبریز
 - جنگ امیرزاده امیرانشاه و امیرزاده ابابکر با امیر قرایوسف ترکمان
- ذکر عاصی شدن بیان قوچین و قتل او ۲۲۰
 - فروگرفتن امرا در طوی دختر توکل ارس بوقا به دست امیرزاده ابابکر

- احوالی که در این سال سنه تسع و ثمانمائیه میان فرزندان امیرزاده عمر شیخ بهادر و فارس و عراق و کرمان واقع گشت، ذکر توجه امیرزاده اسکندر به جانب کرمان و مراجعت او به طرف یزد ۲۲۲
- فرار امیرزاده اسکندر از چارده طبس به صوب اصفهان
- جنگ امیرزاده رستم و امیرزاده اسکندر با امیرزاده پیرمحمد در گذارهای آب شیراز
- تاخت سپاه اصفهان بر صوب گرمسیرات شیراز به عزم تاراج
- وقایع سال ۸۱۰ هجری ۲۳۴
- حکایت توجه رایات همایون حضرت سلطنت شعاری به جانب بلخ ۲۳۵
- تعمیر قلعه هندوان بلخ
- حکایت توجه حضرت سلطنت شعاری به جانب مازندران کرت ثانی ۲۴۲
- پیغام امیرزاده الغبیک به حضرت سلطنت شعاری در مورد پیرپادشاه
- پیغام حضرت شعاری به امیرزاده پیرمحمد در مورد امیرزاده اسکندر
- خبر فرار پیرپادشاه به جانب رستمدر
- ذکر احوال مخالفت امیر جهان ملک بن ملک و جمعی که با او متفق شدند و مآل ایشان ۲۵۱
- حکایت مفردی که خواجه غیاث الدین سالار پرداخته بود
- ذکر آمدن پیرعلی تاز نابکار کرت دیگر و منهزم شدن و به قتل رسیدن او ۲۵۸
- ذکر وقایعی که در این سال هشتصد و ده در فارس و عراق عجم به وقوع پیوست و حادث شد ۲۵۹
- هزیمت شدن امیرزاده رستم و امیرزاده اسکندر از امیرزاده پیرمحمد و فتح اصفهان
- ذکر امیرزاده ابابکر و جنگ او با امیریوسف و کشته شدن امیرزاده سعید شهید مرحوم مغفور امیرزاده امیرانشاه گورکان ۲۶۴
- مسخر شدن ولایت رودبار و دیلمان و قلعه لمبسر به دست سیدرضا کیا
- حکایت سلطان احمد و بغداد در این سال هشتصد و ده هجری ۲۷۳

- وقایع سال ۸۱۱ هجری ۲۷۴
- و در این سال جشن و طوی ختن شهزاده جهان و جهانیان بایسنغرخان بود در شهر
 - ۲۷۵ هرات و امیرزاده جوانبخت جوکی بهادر
 - ذکر امیرزاده ابابکر بهادر بعد از آن که امیرزاده اعظم امیرانشاه گورکان شهادت یافت و
 - ۲۷۷ ترکمانان بر آن بلاد مستولی شدند و امیر یوسف استیلا یافت
 - عزیمت امیرزاده ابابکر به سوی کرمان و فرار به صوب سیستان
 - ذکر توجه حضرت سلطنت شعاری به طرف سجستان و نیمروز ۲۸۰
 - فتح قلعه فراه و تسلیم شدن شاه اسکندر ینالتکین
 - مکتوب حضرت سلطنت شعاری به شاه قطب الدین
 - فتح قلعه اوک به مدد چاخیان
 - تخریب بندها و سدهای کهن سیستان
 - ذکر رسیدن ایلچیان ختای کرت اول ۲۹۵
 - ذکر توجه حضرت سلطنت شعاری به ییلاق بادغیس و از آن جا به عزیمت ماوراءالنهر و
 - توابع آن ۲۹۶
 - ذکر احوالی که در این سال در ماوراءالنهر به وقوع پیوسته ۲۹۸
 - گرفتار شدن خلیل سلطان بهادر به دست امیر خدایداد حسینی
 - پیغام امیر خدایداد به حضرت سلطنت شعاری و پاسخ آن
 - مسخر شدن سمرقند به دست حضرت سلطنت شعاری
 - ذکر قضایایی که در فارس و عراق در این سال احدی عشر و ثمانمائه به وقوع پیوسته
 - است و حادث شده است ۳۰۴
 - لشکر کشیدن امیرزاده پیرمحمد به صوب خوزستان و منخرط گردانیدن آن ولایت در دیوان فارس
 - ذکر امیرزاده جوانبخت اسکندر در این سال و احوال او ۳۰۶
 - دچار خوردن امیرزاده اسکندر در حوالی اوزکند و بازگشت به شیراز
 - مکتوب حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده پیرمحمد در باب سفارش امیرزاده اسکندر
 - ذکر احوال سلطان احمد جلایر در این سال سده احدی عشر و ثمانمائه و قضایایی که در
 - طرف بغداد و آن نواحی در خوزستان واقع شد ۳۱۱

- مسخر شدن خوزستان به دست سلطان احمد جلایر
- مقاومت و مرگ مولانا قطب الدین، قاضی رامهرمز در برابر سپاه بغداد
- ذکر مخالفت سلطان علاءالدوله با پدرش سلطان احمد و رفتن به جانب تبریز و مال
- ۳۱۳..... حال و کار او.....
- مضمون مکتوب امیر قرایوسف ترکمان به ملک عزالدین شیر در باب
- علاءالدوله پسر سلطان احمد
- مقید شدن علاءالدوله در قلعه عبدالجواز
- ۳۱۶..... وقایع سال ۸۱۲ هجری.....
- تتمه حکایات و احوالی که در این سال در ماوراءالنهر به وقوع و حدوث پیوست..... ۳۱۷.....
- پیغام حضرت سلطنت شعاری به امیر خدایداد و پاسخ او
- ذکر توجه بندگی حضرت به جانب ولایت مغولستان و کشته شدن امیر خدایداد..... ۳۱۸.....
- کشته شدن امیر خدایداد به دست شمع جهان پسر خضر خواجه اوغلان
- ذکر تفویض ممالک اوزکند به امیرزاده جوانبخت احمد میرک بهادر..... ۳۲۰.....
- بازگشت امیر شیخ نورالدین به جانب ولایت خود
- ذکر آمدن امیرزاده خلیل سلطان بهادر پیش بندگی حضرت سلطان السلاطین شاهرخ
- ۳۲۲..... بهادر.....
- پیغام حضرت سلطنت شعاری به امیر شیخ نورالدین در باب مسامحت او در
- آمدن به اردوی همایون و پاسخ او
- سوگند حضرت سلطنت شعاری به یک دلی با خلیل سلطان بهادر و قصد
- جان او نکردن
- ذکر تفویض ممالک ماوراءالنهر و ترکستان به امیر و امیرزاده اعظم مغیث الحق و الدنیا
- ۳۲۵..... الغبیک گورکان.....
- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده الغبیک گورکان
- ذکر تفویض ولایت طخارستان و توابع آن به امیرزاده پیروزبخت محمد جهانگیرین
- ۳۳۲..... امیرزاده محمد سلطان.....
- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده محمد جهانگیر

- ذکر تفویض ولایت قندهار و کابل به امیرزاده قیدوبن امیرزاده پیرمحمد بهادرین امیرزاده اعظم جهانگیر بهادر..... ۳۳۳
- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده قیدو بهادر
- ذکر تفویض ممالک بلخ و طخارستان با توابع و مضافات آن به امیرزاده اعظم اعدل ابراهیم سلطان - خلدالله ملکه - ۳۳۵
- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده ابراهیم سلطان
- ذکر کشته شدن سلطان علی بن پیر پادشاه بن لقمان بن طغاتی مورخان - غفرالله لهم - ۳۳۷
- ذکر آمدن امیر علی کیا از ساری پیش بندگی حضرت سلطنت شعاری و باز او را به ولایت اورسانیدن ۳۴۰
- مضمون مکتوب و پیغام حضرت سلطنت شعاری به سیدمرتضی برادر امیر سیدعلی کیا
- ذکر آمدن نیکپی شاه از بدخشان و رسیدن ایلچیان از ممالک تقماق به تهنیت فتح ممالک ماوراءالنهر ۳۴۳
- مضمون مکتوب حاکمان دشت قفقاق و ممالک اوزبک به تهنیت مسخر شدن ماوراءالنهر
- طلب دختر امیرادکو جهت امیرزاده جوکی بهادر
- ذکر فرستادن شیخ زین الدین به سجستان و نیمروز ۳۴۵
- درخواست حکام سیستان جهت وساطت شیخ زین الدین خوایی
- شفاعت شیخ زین الدین حکام سیستان را
- ذکر آبادان گردانیدن شهر مرو ۳۴۸
- ذکر وقایعی که در این سال هشتصد و دوازده در فارس و عراق واقع شد، حکایت و خبر شهادت امیرزاده سعید شهید پیرمحمد بهادر و جلوس اسکندر بهادر..... ۳۵۲
- قتل امیرزاده پیرمحمد به دست خواجه حسین شربت دار در منزل دوچاهه
- تصرف مملکت فارس به دست امیرزاده اسکندر
- جنگ امیرزاده اسکندر با سلطان معتصم در اصفهان و مرگ سلطان معتصم
- بازگشت امیرزاده رستم به اصفهان با کمک قاضی احمد صاعدی
- تسخیر مملکت یزد به دست امیرزاده اسکندر
- عرضه داشت امیرزاده اسکندر به حضرت سلطنت شعاری

- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده اسکندر
- ذکر فرستادن امیرزاده خلیل سلطان بهادر به جانب عراق ۳۶۲
- ذکر احوالی که در این سال هشتصد و دوازده در بغداد و عراق عجم واقع شد به نسبت سلطان احمد بن سلطان اویس بهادرخان ۳۶۳
- حرکت سلطان احمد به صوب سلطانیه
- شورش اویس - منسوب به فرزندی سلطان احمد - در بغداد و بازگشت سلطان احمد به بغداد
- ذکر احوال آذربایجان و امیر یوسف در این سال اثنی عشر و ثمانمائه هجری نبوی ۳۶۵
- هزیمت شدن امیر قراعثمان از امیر قرایوسف ترکمان در صحرای موش
- تصرف قلعه ماردین
- فتح شهر ارزنجان و اعطای حکومت آن به ناصرالدین پیر عمر
- وقایع سال ۸۱۳ هجری ۳۷۰
- در مُفَتِّح این سال عزیمت حضرت سلطنت شعاری بود به جانب ماوراءالنهر ۳۷۱
- خبر یاغی شدن امیر شیخ نورالدین و حمله به سمرقند و شکست امیر شاه ملک از وی
- مکتوب علمای سمرقند به حضرت سلطنت شعاری
- پیغام امیر شیخ نورالدین به امیرزاده محمد جهانگیر
- شکست امیر شاه ملک و لشکر سمرقند از امیر شیخ نورالدین کرت ثانی
- جنگ امیر شیخ نورالدین با حضرت سلطنت شعاری و هزیمت شدن وی
- خبر یاغی گری حمزه سلدوز و نامزد شدن امیر مضراب بهادر به دفع وی
- ذکر آمدن ایلچیان از اطراف به درگاه عالم پناه ۳۸۶
- ذکر منازعت مودود گرمسیری و پیرک و آمدن ایشان پیش بندگی حضرت شاهرخی ۳۸۸
- ذکر بنای باغ سفید و عمارت کوشک ۳۸۹
- ذکر آمدن ایلچیان از اطراف و رفتن بندگی حضرت به جانب ییلاق بادغیس ۳۹۱
- مضمون مفاوضه امیر ادکوبا حضرت سلطنت شعاری
- ذکر قضایایی که در این سال هشتصد و سیزده در عراق عجم واقع شد و به ظهور پیوست ۳۹۳

- جنگ امیرزاده اسکندر با امیرزاده رستم و فتح اصفهان
- مضمون مکتوب خلیل سلطان از اصفهان به حضرت سلطنت شعاری
- ذکر آمدن سلطان احمد به تبریز و کشته شدن بردست امیر قرایوسف بن امیر قرامحمد
- ترکمان ۳۹۶
- گرفتار شدن کیومرث بن امیر شیخ ابراهیم به دست امیر قرایوسف ترکمان
- التجای امیرزاده رستم به امیر قرایوسف ترکمان
- وقایع سال ۸۱۴ هجری ۴۰۱
- ذکر وقایع و حوادث سنه اربع عشر و ثمانمائه الهجرية الهلالية ۴۰۱
- صاحب اختیار شدن امیرزاده اسکندر در ممالک فارس و عراق
- ذکر آمدن ایلچیان از اطراف و معاودت حضرت سلطنت شعاری به دارالسلطنه هرات ۴۰۳
- اظهار اذعان و انقیاد خضرخان پادشاه بعضی از ممالک هندوستان
- پیشکش های امیر شیخ ابراهیم از ممالک شروانات
- ذکریاگی شدن امیر شیخ نورالدین کرت دیگر ۴۰۶
- منہزم شدن امیر شیخ نورالدین از امیر عبدالخالق پسر امیر خدایداد حسینی
- مساعدت محمدخان پادشاه مغولستان به امیر شیخ نورالدین
- تاراج خانه های مغولان در ولایت ینکی به تدبیر امیر شاه ملک
- ذکر توجه حضرت سلطنت شعاری به جانب ماوراءالنهر و موجبات آن ۴۰۹
- حرکت محمدخان به جانب ماوراءالنهر به سبب اغرا و اغوای شیخ نورالدین
- بازگشت مغولکان به مغولستان
- خبر کدورت میان امیرزاده الغبیک با امیر شاه ملک
- تفحص احوال کدورت توسط امیر سید علی ترخان
- ذکر کیفیت کشته شدن شیخ نورالدین - رحمه الله - ۴۱۳
- مضمون رسالت قاصد امیر شیخ نورالدین پیش چنگز اعلان
- مضمون رسالت قاصد چنگز اعلان پیش امیر شاه ملک و پاسخ امیر شاه ملک
- درخواست وساطت امیر شیخ نورالدین از امیر موسی کا و امیر دولت خواجه
- مضمون گفتگوی امیر شاه ملک و امیر شیخ نورالدین در جنب قلعه صوران
- مکرو خدیعت امیر شاه ملک برای فروگرفتن امیر شیخ نورالدین
- در میان نهادن تدبیر فروگرفتن امیر شیخ نورالدین با هرقداق

- کشته شدن امیر شیخ نورالدین به دست هرقداق
- ذکر مراجعت حضرت سلطنت شعاری از ماوراءالنهر ۴۲۲
- رسیدن مهد بانوی عظمی تومان آغا به هرات
- ذکروفات امیرزاده خلیل سلطان بهادر و والده اش خانزاده ۴۲۴
- ذکرو قایمی که در این سال هشتصد و چهارده در فارس و عراق واقع شد ۴۲۵
- لشکر کشیدن امیرزاده اسکندر به ولایت کرمان
- ترک محاصره کرمان به وساطت سید شمس الدین بمی
- بازگشت امیرزاده رستم به اصفهان
- قتل قاضی احمد صاعدی در عید اضحی
- فرار امیرزاده رستم به خراسان به سبب غلبه امیرزاده اسکندر
- ذکر احوال امیر یوسف و فرزندان او در این سال در آذربایجان و آن ممالک ۴۲۸
- بر تخت پادشاهی نشاندن پیربوداق
- تسخیر بغداد به دست شاه محمد پسر امیر قرا یوسف ترکمان
- هرج و مرج بغداد و پیوستن سادات مشهد غروی به شاه محمد
- وقایع سال ۸۱۵ هجری ۴۳۱
- ذکرو قایع و حوادث سنه خمس و ثمانمائه و تتمه سنه اربع عشر ۴۳۱
- مهیا ساختن اسباب سلطنت امیرزاده رستم و روانه کردن او به صوب عراق
- ذکر توجه حضرت سلطنت شعاری به جانب مشهد مقدس رضوی ۴۳۳
- ذکر کشته شدن مودود گرمسیری ۴۳۴
- فرار مودود گرمسیری از هرات و دچار خوردن با جماعت بلوچان
- کشته شدن مودود به دست تیمور پسر علی تیمور
- ذکر رسیدن حضرت سلطنت شعاری به مشهد مقدس رضوی ۴۳۶
- آمدن امیر سید عزالدین حاکم مملکت قومس به بارگاه سپهر رفعت
- آمدن نوکر امیر سید علی از بلده ساری و برادر امیر حسن کیا از فیروزکوه به
- بساط بوس حضرت سلطنت شعاری
- ذکر رسیدن ایلچیان ختای ۴۳۸

- آذین بستن شهر و بازار به فرمان همایون
- سواد مکتوب پادشاه ختای
- ذکر آمدن ملک قطب الدین از سجستان ۴۴۱
- شرایط تسلیم ممالک نیمروز به ملک قطب الدین
- ذکر روان گردانیدن ایلچیان ختای ۴۴۲
- سواد مکتوب فارسی حضرت سلطنت شعاری به پادشاه ختای
- ذکر آمدن ایلچی شاهان بدخشان به درگاه ۴۴۵
- نهضت امرا به صوب بدخشان و ارزانی داشتن حکومت آن ناحیت به شاه سلطان محمود برادر شاه بهاء الدین
- ذکر ولادت خانداده بیکی - خَلْدَالله عظمتهَا ۴۴۷
- در این سال هشتصد و پانزده مملکت خوارزم داخل حوزه دیوان حضرت سلطنت شعاری شد ۴۴۹
- تفصیل واقعات خوارزم از ابتدای جلوس همایون
- فرستادن لشکر به خوارزم به رای اعلای حضرت سلطنت شعاری و صواب دید امرا
- هزیمت لشکر خراسان از خوارزم و خشم حضرت سلطنت شعاری
- فرستادن لشکر کرت ثانی و تسلیم شدن خوارزم به صلح
- اعطای حکومت و ایالت خوارزم به امیر شاه ملک
- ذکر وقایعی که در فارس و عراق در این سال هشتصد و پانزده به وقوع پیوسته است ۴۵۶
- در این سال امیرزاده اسکندر شهر قم بگرفت
- امداد نصرالله صحرایی حاکم ساوه به خواجه محمد قمی
- خیانت خواجه مظفر فراهانی به خواجه محمد قمی
- تعذیب و قتل خواجه محمد قمی و برادرزاده اش به دست امیرزاده اسکندر
- ضبط اکثر عراق عجم و تمامت ممالک فارس به دست امیرزاده اسکندر و پایتخت قرار دادن اصفهان
- ذکر احوال آذربایجان و امیر قریوسف در این سال مذکور ۴۵۸
- تخریب اماکن و مساکن سلطانی به فرمان امیر قریوسف ترکمان

- جنگ امیر شیخ ابراهیم شروانی و امیر سیداحمد شکی و کستندیل گرجی با
امیر قرایوسف ترکمان و هزیمت شدن ایشان
- فرمان قتل کستندیل و برادرش با قریب سیصد نفر از نام آوران گرج
- مقید شدن امیر شیخ ابراهیم و امیر شیخ بهلول و مولانا ظهیرالدین در تبریز

وقایع سال ۸۱۶ هجری ۴۶۴

- ذکر تزویج امیرزاده اعظم محمد جهانگیر بن امیرزاده اعظم محمد سلطان بهادر ۴۶۵
- ذکر قشلاق فرمودن حضرت سلطنت شعاری در مازندران و عزیمت یورش عراق و
آذربایجان ۴۶۶
- مضمون مکتوبی که حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده اسکندر فرستاد
- ذکر مخالفت امیرزاده اسکندر و اظهار یاغیگری ۴۷۰
- خواندن خطبه و سکه به نام امیرزاده اسکندر و انسداد مرزهای خراسان
- ذکر ایلچی فرستادن امیرزاده اسکندر به جوانب و گرفتار شدن کافی اسلام ۴۷۴
- مضمون مکتوب امیرزاده اسکندر به حاکمان سجستان و قندهار و گرمسیر
- مقید شدن کافی اسلام در رامرو به دست شاه قطب الدین
- سخنان بعضی نواب در تحریض حضرت سلطنت شعاری به سیاست
امیرزاده اسکندر
- ذکر احوال عراق و آذربایجان در این سال مذکور ۴۷۸
- ذکر لشکر کشیدن امیرزاده اسکندر به عزیمت حرب امیر قرایوسف و جنگ ناکرده
معاودت نمودن ۴۷۹
- اظهار انقیاد بابا حاجی حاکم قلعه گاورد به امیر قرایوسف ترکمان
- اسارت امیر محمد ساروترکمان حاکم شهرزور به دست شاه محمد قرایوسف در
قلعه هیت

وقایع سال ۸۱۷ هجری ۴۸۲

- ذکر مراجعت امیرزاده بایسنغری بهادر از مازندران به خراسانات ۴۸۳
- ذکر ترمرد سیدعلی کیا در ولایت آمل و ساری و باز انقیاد نمودن و ایل شدن ۴۸۵
- مضمون کلمات حضرت سلطنت شعاری به سیدعلی کیا
- ذکر آن چه در ماوراءالنهر در این سال واقع و حادث شد ۴۸۷

- تمرد و عصیان امیرزاده امیرک احمد
- نهضت امیرزاده الغبیک به طرف اندکان و تسخیر قلعه اخسی
- ذکر آمدن امیرک احمد به حوالی اندکان و کشته شدن امیر موسی کا و محمد تابان و غیره ... ۴۸۹
- استمداد امیرزاده امیرک احمد از مغولان
- ذکر توجه بندگی حضرت سلطنت شعاری به جانب ممالک عراق ۴۹۰
- عرضه داشت امیر بسطام از سلطانیه به حضرت سلطنت شعاری و اظهار خشوع و استکانت
- ذکر گرفتار شدن امیرزاده یوسف جلیل و اسباب و تعلقات آن ۴۹۲
- اظهار یک جهتی و دولت خواهی نصرالله صحرایی و التماس داروغه نمودن
- لشکر فرستادن امیرزاده اسکندر به محاصره ساوه
- اتفاق امرای امیرزاده اسکندر بر ملحق شدن به امرای حضرت سلطنت شعاری و مقید کردن امیرزاده یوسف جلیل
- ارزانی فرمودن حکومت قم به عبدالله پروانچی
- ذکر شکاری که حضرت سلطنت شعاری در صحرای ساوه و آن نواحی کرد ۴۹۶
- ذکر رسیدن حضرت سلطنت شعاری به سپاهان و قضایایی که در آن ایام واقع شد ۴۹۸
- ذکر فتح دارالملک شیراز و سبب آن ۵۰۲
- اظهار اذعان و انقیاد شیخ محمد سارق حاکم و داروغه شیراز
- ذکر اخباری که در آن ایام از اطراف ممالک به درگاه عالم پناه رسید ۵۰۳
- عرض خبر کشته شدن امیر موسی و امیر محمد تابان و امیر علی قوجین بر دست امیرک احمد
- قتل امیر جلبانشاه به دست امیر لطف الله بن بابانتمور در شیراز
- اظهار اذعان و دولت خواهی دندی سلطان در ولایت تستر
- تصرف کاشان به دست عبدالله پروانچی و علی درویش
- ذکر فرستادن مولانا غیاث الدین قاضی سمنان پیش امیرزاده اسکندر ۵۰۵
- ذکر جنگ سلطانی و فتح سپاهان ۵۰۷
- ذکر احوال امیرزاده اسکندر بعد از فتح شهر اصفهان ۵۱۰
- سپردن امیرزاده اسکندر به امیرزاده رستم و میل کشیدن به چشم او
- ذکر حالاتی که بعد از فتح اصفهان واقع و حادث شد ۵۱۱

- منع لشکر از نهب و غارت اصفهان
- اعطای صد هزار دینار کپکی نذر مزارات به فقرا و بخشیدن ثلثی از مال یونت
ئیل به رعایا
- ذکر تفویض حکومت ممالک اصفهان به امیرزاده رستم بن امیرزاده شهید امیر عمر شیخ
نویان - طاب ثراهما - ۵۱۴
- ذکر تفویض ممالک همدان و لرستان به امیرزاده بایقرا - غفرالله له - ۵۱۵
- وصایای پادشاهانه به امیرزاده بایقرا
- ذکر تفویض ممالک قم به امیرزاده سعد وقاص - طاب ثراه و غفرله - ۵۱۶
- ذکر حرکت رایات همایون به جانب شیراز و مقرر گردانیدن امیر مضراب به حکومت
فارس و واقعه رسیدن او ۵۱۷
- ذکر تفویض حکومت ممالک فارس و توابع به امیر و امیرزاده جوانبخت ابراهیم سلطان
بهادر - خلدالله ملکه - ۵۱۸
- تذکار و وصیت پادشاهانه به امیرزاده ابراهیم سلطان بهادر
- پاسخ امیرزاده ابراهیم سلطان بهادر به حضرت سلطنت شعاری
- ذکر مراجعت حضرت سلطنت شعاری به دارالسلطنه هرات و رسیدن امیرزاده الغبیک
گورکان از ماوراءالنهر ۵۲۰
- آمدن امیر بسطام جاگیر به هرات و مشرف شدن به بساط بوس حضرت
سلطنت شعاری
- تاج الدوله برادر امیر کیومرث رستم داری و شاه ویس پسر سلطان تواجی از
مملکت غزنین و نصرالله صحرایی حاکم ساوه متوجه زمین بوس گشتند
- رسیدن پیک امیر یوسف با عرضه داشت
- سید عبدالکهف از حضرت مکه شریفه با عرضه داشت حاکم مکه، شرف
بساط بوس حضرت سلطنت دریافت
- ذکر ولایاتی که به جهت خاصه دیوان حضرت مخدوم و مخدوم زاده عالم و عالمیان
بایسنغربهادر مقرر گردانیده آمد ۵۲۲
- اعطای مال و معاملات ملکی حکام جاوونی قربانی و طغاتی مور به امیرزاده بایسنغربهادر
- اصدار مثال واجب الامتثال به عموم اهالی آن دیار که فرمان فرمای خود فرزند اعزرا دانند

- وقایع سال ۸۱۸ هجری ۵۲۷
- ذکرحالات و حکایات و وقایع و حوادث سنه ثمان عشر و ثمانمائه الهجرية الهلالية ۵۲۷
 - رسیدن خبروفات دندی سلطان از ششتر
 - ذکربنای قلعه دارالسلطنه هرات ۵۳۰
 - ذکراستمالنامه ای که حضرت سلطنت شعاری به امیرک احمدبن امیرزاده عمرشیخ
 - بهادر فرستاد ۵۳۱
 - ذکر رسیدن ایلچی امیرقرايوسف ترکمان ۵۳۳
 - عرضه داشت امیرقرايوسف جهت تسلیم سلطانیه و پاسخ بندگی حضرت
اعلا
 - ذکر خبروفات امیرزاده ایجل بن امیرزاده امیرانشاه گورکان و تعیین کردن امیرزاده ایلنگیر
به جای او ۵۳۴
 - خبر توجه امیرقرايوسف به جانب سلطانیه
 - ذکرفتن امیرزاده سعد وقاص پیش امیرقرايوسف و قضایایی که بدان سبب در آن ایام
واقع و حادث شد ۵۳۵
 - عرضه داشت امیرزاده سعد وقاص مبنی بر مقید کردن امیر بسطام جاگیر و
غضب حضرت سلطنت شعاری
 - تسلیم امیر بسطام جاگیر به امیرقرايوسف ترکمان
 - ذکرمردانگی آغاییگی حرم امیرزاده سعد وقاص و تحسین و احسان حضرت
سلطنت شعاری
 - ذکریاگی شدن امیرزاده بایقرا بهادر ۵۳۷
 - تحریک امیرزاده بایقرا توسط امیرزاده اسکندر به لشکر کشیدن به جانب فارس
 - ورود امیرزاده بایقرا به شیراز
 - قتل امیرزاده اسکندر به دست امیرزاده رستم
 - ذکرعزیمت حضرت سلطنت شعاری به جانب فارس کرت ثانی به مبارکی ۵۴۱
 - درگذشت محمدخان پادشاه مغولستان و سلطنت نقش جهان پسر شمع
جهان
 - استغفار و طلب شفاعت امیرزاده بایقرا از امیرزاده بایسنغر بهادر
 - ذکرحالاتی که بعد از واقعه امیرزاده بایقرا در آن حدود و نواحی به وقوع پیوست ۵۴۶

- فرستادن امیرزاده بایقرا به طرف قندهار و گرمسیر به مصاحبت امیرزاده قیدو
- اظهار دولت خواهی اصول و امرای لرستان و شولستان و ملک گرگین از ولایت لار به نسبت درگاه اعلا
- گزاردن صلوة عید فطر در مصلاى شیراز
- ذکر تفویض ممالک قم و کاشان با توابع و مضافات آن به امیرزاده اعظم امیرالایاس
 ۵۴۹ خواجه بهادر بن امیر شیخ علی بهادر - غفرالله ذنوبهما -
- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرالایاس خواجه
- انفاذ فرمان قضا مضای به سکان و امرای آن حدود در متابعت امیرالایاس خواجه
- ذکر توجه حضرت سلطنت شعاری به زیارت قطب آفاق سلطان المشایخ شیخ
 ۵۵۲ ابواسحق کازرونی
- مضمون نصیحت امیرزاده ابراهیم سلطان بهادر
- ذکر عزیمت همایون به جانب کرمان و آن نواحی ۵۵۵
- مضمون رسالت ایلچی حضرت سلطنت شعاری به سلطان اویس بن ادکو
- مقید ساختن والده و نوکران سلطان اویس
- تقبل سید شمس الدین بمی به آوردن سلطان اویس به هرات
- وقایع سال ۸۱۹ هجری ۵۵۹
- ذکر معاونت حضرت سلطنت شعاری به جانب خراسان ۵۶۰
- ذکر امیرک احمد و امیرزاده ایلنگیر و فکر فاسد ایشان ۵۶۰
- رسیدن قاصد امیرزاده قیدو و اظهار مقید ساختن امیرزاده بایقرا
- تحریر نواب، حضرت سلطنت شعاری را به تأدیب و تعریک ایشان
- احکام حضرت سلطنت شعاری در تنبیه امیرک احمد، امیرزاده ایلنگیر و
 امیرزاده بایقرا
- ذکر دیوان نشستن حضرت مخدوم و مخدوم زاده جهان و جهانیان بایسنغربهادر خان ۵۶۳
- ذکر لشکر فرستادن به جانب کرمان و قضیه ای که در آن ولایت وقوع یافت و به حدوث
 پیوست ۵۶۴
- رسیدن سید شمس الدین بمی به هرات و اعلام خلاف و عصیان سلطان
 اویس

- متوجه نمودن لشکر جرار به جانب کرمان
- شفیع برانگیختن سلطان اويس امرای حضرت را
- ذکر معاهده حضرت سلطنت شعاری با امیر شیخ حسن جمله الملک سلطان اويس
- ذکر قضایای ماوراءالنهر در این سال ۵۶۷
- اظهار انقیاد شیخ علی طغایی نایب امیرک احمد و تسلیم کاشغر
- اظهار ایلی و انقیاد و دوستی و اتحاد نقش جهان پسر شمع جهان پادشاه مغولستان
- خبر فتنه و بلقاق در ممالک اوزبک
- ذکر مخالفت و یاغی گری نوکران امیرزاده قیدو با او ۵۶۹
- ذکر رسیدن ایلچیان خضرخان از دهلی ۵۷۱
- عرضه داشت خضرخان در باب ذکر خطبه در ممالک هندوستان
- ذکر فرستادن امیرزاده سیورغتمش به جانب ممالک بدخشان ۵۷۱
- آمدن نیکپی شاه به دارالسلطنه هرات به شکایت از برادران و قرباتان
- گرفتن و مجازات بوزنتری محصل اموال بدخشان
- وقایع سال ۸۲۰ هجری ۵۷۳
- ذکر ولادت با سعادت مخدومزاده جهان و جهانیان امیرزاده علاءالدوله ابن امیرزاده بایسنغر - خلدالله ملکه - ۵۷۴
- ذکر احوال امیر سید فخرالدین و عاقبت کار او - تجاؤز الله عنه و غفر الله له - ۵۷۵
- ذکر آمدن امیرزاده جهان و جهانیان الغیبیک به ممالک خراسان ۵۸۵
- سلطان اويس بن امیرادکو برلاس را حکم شد که متوجه سمرقند شود
- ذکر آمدن ایلچیان ختای کرت دیگر ۵۸۶
- صورت اسبی که پادشاه ختای جهت امیر سید احمد ترخان فرستاده بود
- فرستادن اردشیر تواجی به ختای به همراه ایلچیان ایشان
- ذکر توجه رایات همایون به جانب قندهار و سبب آن حرکت ۵۸۷
- نصیحت امرا و کلانتران هزاره

- رسیدن رای دولجین از ممالک هندوستان به بساط بوس حضرت سلطنت شعاری

- تاخت افغانان هزاره به دلیل مماطلت در ادای مالی که تقبل نموده بودند

- امیرزاده قید و مصاحب امرا متوجه دارالسلطنه هرات شد

وقایع سال ۸۲۱ هجری ۵۹۳

• ذکروفات امیرزاده سعد وقاص در آذربایجان ۵۹۴

• ذکر فرستادن لشکر به ممالک بدخشان ۵۹۵

- به رسالت رفتن سید احمد الب قرا نزد شاهان بدخشان

- وساطت و شفاعت خواجه تاج الدین حسن عطار

• ذکر مخالفت امیرزاده قید و گرفتاری و قید او ۵۹۸

- مقید شدن امیرزاده قید و در قلعه اختیارالدین

• ذکر تفویض حکومت کابل و غزنی و سند و هند به امیرزاده سیورغتمیش - نورالله مرقدہ - ۶۰۶

- نصیحت نامه حضرت سلطنت شعاری به امیرزاده سیورغتمیش

• ذکر توجه ریایات حضرت سلطنت شعاری به جانب مشهد مقدسه و روضه مطهره

سلطان خراسان ۶۰۷

- آویختن قندیل طلای سه هزار مثقالی در گنبد مرقد سلطان خراسان

- پسندیده افتادن مسجد جامعی که حضرت مهد اعلی به عمارت آن اشارت

فرموده بودند

• ذکر احوال ماوراءالنهر در این سال ۶۰۸

- کشته شدن نقش جهان پادشاه مغولستان به دست اویس اغلان خان جته

وقایع سال ۸۲۲ هجری ۶۱۱

• حکایت رسیدن ایلچیان ختای کرت ثالث ۶۱۲

- سواد مکتوب پادشاه ختای بعینه

• ذکر تزویج امیرزاده اعظم جوکی بهادر با مهنرگار آغا خانیکه دختر پادشاه مغولستان ۶۱۴

• ذکر احوال ماوراءالنهر در این سال مذکور ۶۱۶

وقایع سال ۸۲۳ هجری ۶۱۹

• ذکر قوشلامشی فرمودن بندگی حضرت سلطنت شعاری در مرو ۶۲۰

- ذکر یورش عراق و آذربایجان ۶۲۰
- عرضه داشت امیر صدیق مصدوقه آن چه از امیر قرایوسف مشاهده کرده بود
- حرکت به جانب آذربایجان با دویست هزار سوار مستعد
- نصیحت نمودن امیر شاه ملک بهادر امیر قرایوسف ترکمان را
- ختم دوازده هزار بار سوره الفتح توسط حُفَظ و قُزَاء ملازم سریر اعلا
- ذکروفات امیر قرایوسف و کیفیت رسیدن آن خبر پیش حضرت سلطنت شعاری ۶۳۱
- ذکر امیریوسف و عاقبت احوال و خاتمت کار او ۶۳۵
- ذکر رسیدن شاه و شاهزاده اعظم امیر و امیرزاده بایسنغر بهادر به تبریز ۶۳۸
- آمدن پسر امیر قراعثمان پیش پادشاهزاده بایسنغر بهادر
- ذکر عزیمت امیر و امیرزاده اعظم بایسنغر بهادر به جانب قلعه گاورد ۶۴۱
- ذکر احوالی که در این سال در ماوراءالنهر به وقوع پیوست و حادث شده ۶۴۳
- ذکر عمارات که در سمرقند بنا فرموده اند ۶۴۴
- ذکر توجه رکاب همایون مهد اعلا به دارالسلطنه سمرقند ۶۴۵
- ذکر ولادت امیرزاده عبدالله بن الغیبیک گورکان و آمدن اکابر و اغلانات از مغولستان پیش حضرت امیرزاده الغیبیک گورکان ۶۴۶
- وقایع سال ۸۲۴ هجری ۶۴۹
- حکایت قشلاق فرمودن حضرت - خلدالله سلطنته - در قراباغ اران و آن چه در آن ایام واقع شد ۶۵۰
- ذکر مخالفت نصرالله صحرايي و یاغی گری او در ساوه و گرفتن او و به بندگی حضرت آوردن ۶۵۳
- ذکر فصل بهار و قضایایی که در آن ایام واقع شد و توجه حضرت سلطنت شعاری به جانب دارالملک تبریز ۶۵۵
- ذکر تزویج بنت امیرزاده ابابکر بهادر با امیرزاده خلیل الله بن امیر شیخ ابراهیم والی شروانات و دربند ۶۵۶
- ذکر یاغی گری یار احمد قرامان و گرفتار شدن او و غیره ۶۵۸
- میسر شدن فتح قلعه اسفرزن گرجستان امیرزاده بایسنغر بهادر را
- ذکر فتح قلعه بایزید به مبارکی ۶۶۳

- ذکرایلغار فرمودن بندگی حضرت و رفتن بر عقب ترکمانان ۶۶۷
- ذکر اجازت دادن امرا و رسیدن امیر قراعثمان ترکمان به زمین بوس ۶۶۹
- ذکر محاربه حضرت سلطنت شعاری با پسران امیر قرایوسف و لشکر ترکمان و انهزام ترکمانان ۶۶۹
- جنگ با اسکندر و اسفند قرایوسف به توصیه امرا
- مصالحت خواستن پسران امیر قرایوسف
- تدبیر ترکمانان برای نرمیدن اسبان شان از فیلان سپاه حضرت سلطنت شعاری
- مانع شدن امیرزاده اعظم بایسنغر بهادر از تفرق و تَبَدُّد سپاه
- ذکر قضایایی که بعد از رسیدن رایات همایون به دارالسلطنه هرات به وقوع پیوست ۶۸۰
- کرگی که خضرخان به بندگی حضرت فرستاده بود
- ذکر آن چه در این سال مذکور اعی سنه اربع و عشرین و ثمانمائۀ در بلاد ماوراءالنهر واقع بود و حادثه گشته ۶۸۱
- ذکر ولادت با سعادت امیرزاده عبدالرحمن - طول الله بقاوه فی الاقبال - ۶۸۲
- وقایع سال ۸۲۵ هجری ۶۸۴
- حکایت لشکر کشیدن امیرزاده ابراهیم سلطان بهادر به ولایت خوزستان و مسخر گردانیدن ۶۸۵
- مضمون مکتوب اکابر خوزستان به بندگی حضرت سلطنت شعاری
- ذکر آمدن شاهان بدخشان ۶۸۶
- ذکر حرکت رایات همایون به شکار و جانور پرانیدن به جانب زاوه و محولات و مخدوم زاده عالمیان بایسنغر بهادر به جانب طوس و مشهد ۶۸۷
- ذکر توجه امیرزاده اعظم - مغیث الحق والدين - الغریک گورکان به خراسان ۶۸۹
- ذکر ولادت با سعادت امیرزاده ابوالقاسم بن مخدوم زاده جهان بایسنغر بهادر ۶۹۰
- باقی و تتمه قضایایی که در این سال هشتصد و بیست و پنج به وقوع پیوست ۶۹۲
- ذکر ولادت امیرزاده محمد قاسم بن امیرزاده محمد جوکی ۶۹۲
- حکایت و ذکر آمدن ایلچیان که به ختای رفته بودند و حکایات ایشان به موجبی که
- استماع افتاده ۶۹۳

- سفرنامه ختای خواجه غیاث الدین نقاش

- تتمه قضایای سنه خمس وعشرین و ثمانمائہ ۷۳۷

وقایع سال ۸۲۶ هجری ۷۳۹

- ذکر حرکت رایات همایون به جانب سرخس و مخدومزاده جهان و جهانیان به طرف طوس، به مشهد مقدسه رضوی علیه السلام ۷۴۰
- ذکر ولادت با سعادت امیرزاده علی بن امیرزاده جوکی بهادر - خلدالله ملکه - ۷۴۱
- ذکر وفات امیرزاده بودانجربن امیرزاده پیرمحمد بن امیرزاده اعظم جهانگیر بهادر - طاب الله ثراهم - ۷۴۲
- تتمه حالات شهر سنه ست وعشرین و ثمانمائہ ۷۴۲

وقایع سال ۸۲۷ هجری ۷۴۴

- قضایایی که در این سال به ظهور آمد ۷۴۵
- تتمه وقایع و حوادث این سال مذکور ۷۴۵

- وفات امیر حسن صوفی ترخان

- ذکر عزیمت یورش مخدوم و مخدومزاده جهان و جهانیان الغیبیک گورکان به جانب مغولستان ۷۴۶

وقایع سال ۸۲۸ هجری ۷۴۹

- ذکر توجه امیرزاده اعظم الغیبیک گورکان به جانب مغولستان و نواحی آن ۷۵۰
- آوردن سنگ قاش از موضع قرشی به سمرقند
- تتمه احوال سال هشتصد و بیست و هشت ۷۵۷

وقایع سال ۸۲۹ هجری ۷۵۹

- سرما و برفی که در آن بهار آمد ۷۶۰
- وفات امیر شاه ملک بهادر

- وفات سید رضی الدین امیر رضاکیا پادشاه گیلان

وقایع سال ۸۳۰ هجری ۷۶۳

- ذکروفات سلطانزاده سیورغتمیش بهادر - طاب ثراه - ۷۶۴
- حکایت و ذکر رفتن امیر و امیرزاده جهان و جهانیان محمد جوکی بهادر به سمرقند ۷۶۶

- ذکر واقعه‌ای که حضرت سلطنت شعاری را افتاد در سال هشتصد و سی هجری ۷۶۷
- فهرست آیات قرآنی ۷۸۱
- فهرست عبارت‌های عربی، مثل‌ها و احادیث ۷۸۸
- واژگان ۷۹۳
- فهرست اعلام ۸۶۲

وقایع سال ۸۰۷ هجری



بسم الله الرحمن الرحيم

ذکر حوادث و وقایعی که بعد از وفات حضرت صاحبقرانی^۱ - انارالله بُرهانه^۱ [ص بعد] -

هم در این سال، سنهٔ سبع و ثمانمائه اتفاق افتاد

۱. **امیر تیمور گورکان:** تیمور گورکان (۸۰۷-۷۳۶ ه.ق)، پس از فروپاشی حکومت ایلخانی و دورهٔ هرج و مرج و فترت پس از آن (نک: غیاث‌الدین بن علی نایب فریومدی، ذیل مجمع‌الأنساب شبانکاره‌ای، ص ۳۴۱، معین‌الدین بن جلال‌الدین محمد معلم یزدی، مواهب‌الهی در تاریخ آل مظفر، ص ۸۱، زین‌الدین بن حمدالله مستوفی قزوینی، ذیل تاریخ‌گزیده، سید ظهیرالدین مرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، صص ۷۰ و ۷۱ و حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ج ۲۱۹/۱) در سه حملهٔ بزرگ بر تمامی سرزمین‌های ایران چیره شد و ۲۹ سال بی‌شکست و در اوج اقتدار فرمانروایی کرد. او که باور داشت «عرصه مسکون آن مقدار وسیع نیست که در وی دو پادشاه باشند» (خواندامیر، حبیب‌السیر، ج ۳/۴۲۹) هندوستان، روسیه، شامات، قفقاز و دشت قبیچاق را نیز به زیر سم ستوران خود کشید و روفت. پایان زندگانی‌اش هنگام حمله به چین در شهر اُتار بود، یعنی همان جایی که چنگیزخان حمله به سرزمین‌های ایران را آغاز کرد. امیر تیمور چهار پسر داشت که جهانگیر (پسر بزرگ و ولیعهدش) و عمر شیخ در زمان خودش درگذشتند و میرانشاه و شاهرخ نیز برای جانشینی مورد نظر نبودند (پس از مرگ جهانگیر، پسر بزرگ وی محمد سلطان ولیعهد شد که او نیز درگذشت) بنابراین در اُتار در بستر مرگ به امرای بزرگش وصیت کرد که نوه‌اش پیرمحمد فرزند جهانگیر وارث و ولیعهد اوست (شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱۲۹۱/۲، هم چنین برای دریافت ارج و قرب فراوان این شاهزاده نزد تیمور نک: سفرنامه کلاویخو، ص ۲۵۳)، وصیتی که بی‌ثمر بود و مرگش شعله در هیمة جنگ‌های فراوان نوادگان وی انداخت. تیمور با آن که در نظر مدح‌حاشش شخصیتی منحصر به فرد بود و «هر عضوی از ذات شریفش عقلی بود مصور» (حبیب‌السیر ج ۳/۳۹۵ و عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌السعدین و مجمع‌بحرین، ج ۱ [دفتر اول/۱۳۷])، اما در انتقام‌کشی خشونت‌بی‌حد داشت چنان‌چه در هرات و اسفزار «غبار ظلم و زور به مرتبه‌ای در التهاب و هیجان آمد که در اسواق یک دکان باز نماند و در بازار و کوچه‌ها مردگان بر زیر یک دیگر افتاده هیچ‌کس مجال تجهیز و تکفین نمی‌یافت» و در سبزواری هرات «قرب دوهزار مخالفان را زنده در گل گرفتند» (حبیب‌السیر ج ۳/۴۳۵) و در اصفهان «سپاه را به قتل عام فرمان داد و فرمود که هر کس در اردوی همایون است از ضعیف و شریف و صغیر و کبیر سری بیاورد ... بعضی از اهل علم و تقوی که در ملازمت صاحبقران مظفرلوا بودند و نمی‌خواستند که به قتل کسی اقدام نمایند سراز یساقیان می‌خریدند و نزد خدام و بارگاه سلطنت می‌پردند و در اول روز سری به پنجاه دینار بود و در آخر سری به یک دینار می‌فروختند و هیچ‌کس نمی‌خرید ... در اصفهان غیر از زنده‌رود و سادات و قضات و علما کسی زنده نماند» (همان، ج ۳/۳۲۰). تیمور به جز شطرنج (مطلع‌السعدین، ج ۱۴۷/۱) به زیارت و دیدار مشایخ و بزرگان علم و صوفیه علاقه وافر داشت؛ چنان‌چه در مسیر لشکرکشی‌هایش پیوسته به زیارت شیخ احمد جامی، ابوسعید ابوالخیر، زین‌الدین ابوبکر تایب‌الدی، علاء‌الدوله سمنانی، شاه شجاع کرمانی، شاه نعمت‌الله ولی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی رفت و سلطنتش را از نفحات ضمیر شیخ شمس‌الدین کلار می‌دانست (حبیب‌السیر، ج ۳/۳۹۴ و ظفرنامه یزدی، ج ۲۲۳/۱، زیارت ابومسلم نیز آمده است، نک: ظفرنامه یزدی، ج ۵۰۳/۱). تبار و نسب تیمور را ابتدا مورخان تا سیورغان بن ایردمچی «که برلاس لقب داشت و عشیرت برلاس بدو منسوبست» (شرف‌خان بدلیسی، شرفنامه، ج ۵۹/۲) می‌رساندند و سپس این نسب‌نامه تا آلان‌قوا، نیای افسانه‌ای مغولان، که «بانویی بود در

فهرست منابع و مآخذ



الف- فرهنگ‌ها

۱. اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، سعید شرتونی، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، قم ۱۴۰۳ هـ ق
۲. المنجد فی اللغة و الأعلام، دارالمشرق بیروت، الطبعة الحادية و العشرون ۱۹۸۶
۳. برهان قاطع (۵ جلدی)، محمد حسین بن خلف تبریزی، به اهتمام محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم ۱۳۹۱
۴. تراجم الاعاجم (فرهنگ کهن واژه‌های قرآن با ترجمه فارسی در سده ۶)، ابوالمعالی احمد بن محمد الغزنوی، به اهتمام مسعود قاسمی و محمود مدبری، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم ۱۳۸۹
۵. غیاث اللغات، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف‌الدین رامپوری، به کوشش دکتر منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۷۵
۶. فرهنگ آندراج (۷ جلدی)، محمد پاشا، زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاقی، خیام ۱۳۳۶
۷. فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، شمیم شریک امین، فرهنگستان ادب و هنر ایران ۱۳۵۷
۸. فرهنگ عمید، حسن عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ پانزدهم ۱۳۷۸
۹. فرهنگ فارسی معین (۶ مجلد)، محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و هفتم ۱۳۹۱
۱۰. فرهنگ ناظم‌الاطباء (۵ مجلد)، دکتر میرزا علی اکبرخان نفیسی، به اهتمام سعید نفیسی، خیام ۱۳۵۵
۱۱. لغت‌نامه دهخدا (دوره ۱۶ جلدی)، علامه علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۷
۱۲. منتهی‌الأرب فی لغات العرب (دوره ۵ جلدی)، عبدالرحیم بن عبدالکریم صفی پوری، مقدمه، تصحیح، تعلیقات و فهارس: علیرضا حاجیان نژاد، انتشارات سخن ۱۳۹۷

ب- کتاب‌ها

۱. آثار الباقیه، ابوریحان بیرونی، ترجمه اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۸۹
۲. آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمد قزوینی، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمن، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۹۵
۳. آثار البلاد و اخبار العباد، زکریا بن محمد بن محمود قزوینی، ترجمه با اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۳
۴. آثار تاریخی کلات و سرخس، مهدی بامداد، انجمن آثار ملی، چاپ دوم ۱۳۴۴

۵. آثار عجم، محمدنصیر فرصت شیرازی (فرصت الدوله)، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۷
۶. آداب الحرب و الشجاعه، محمدبن منصوربن سعید ملقب به مبارکشاه، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، انتشارات اقبال ۱۳۴۶
۷. اترکنامه (تاریخ جامع قوچان)، رمضانعلی شاکری، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵
۸. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ابوعبدالله محمدبن احمد مقدسی، ترجمه دکتر علینقی منزوی، انتشارات کومش ۱۳۶۱
۹. احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، تصحیح و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات اساطیر ۱۳۸۴
۱۰. احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات اساطیر، چاپ سوم ۱۳۸۶
۱۱. احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی، مجتبی مینوی، کتابخانه طهوری ۱۳۵۴
۱۲. احیاء الملوک، شامل تاریخ سیستان از ادوار باستانی تا سال هزار و بیست و هشت هجری قمری، ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمدبن شاه محمود سیستانی، باهتمام دکتر منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۴
۱۳. اخبارنامه (تاریخ تالشان از سلطنت نادرشاه تا سلطنت محمدشاه قاجار)، میرزا احمد میرزا خداویردی، به کوشش حسین احمدی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۸۳
۱۴. ادبیات تاریخی و دیوانسالاری ایران، عهد مغول تا سرآغاز دولت صفویه، محسن روستایی، انتشارات ندای تاریخ، چاپ دوم ۱۳۹۸
۱۵. ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی، هانیس گاو به، ترجمه سعید فرهودی، تحشیه و تصحیح و تنظیم فهارس احمد اقتداری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۷
۱۶. ارشاد القلوب (الی الصواب المنجی من عمل به من الیم العقاب)، حسن بن ابی الحسن دیلمی، شریف رضی، قم ۱۴۱۲ هـ
۱۷. استاد محمد سیاه قلم، نابغه‌ای فراموش شده، یعقوب آژند، امیرکبیر ۱۳۸۶
۱۸. استرآباد نامه، به کوشش مسیح ذبیحی با همکاری ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، امیرکبیر ۱۳۸۶
۱۹. اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمدبن منوربن ابی سعدبن ابی طاهر بن ابی سعید میهنی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگه ۱۳۸۶
۲۰. اسطوره آفرینش در کیش مانی، ابوالقاسم اسماعیل پور، نشر چشمه ۱۳۹۶
۲۱. اسماعیلیه بدخشان، دکتر مریم معزی، پژوهشکده تاریخ اسلام ۱۳۹۵
۲۲. اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، از تیمور تا شاه اسماعیل، گردآورنده دکتر عبدالحسین نوایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم ۱۳۵۶
۲۳. اسناد و مکاتبات سیاسی ایران: از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۳

۲۴. اسناد و نامه‌های تاریخی ایران، از اوایل دوره‌های اسلامی تا اواخر عهد شاه اسمعیل صفوی، سیدعلی موید ثابتی، کتابخانه طهوری ۱۳۴۶
۲۵. اصفهان، لطف‌الله هنرفر، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۸۶
۲۶. اقلیم پارس (آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس)، سیدمحمدتقی مصطفوی، نشر اشاره، چاپ دوم ۱۳۷۵
۲۷. البلدان، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح یعقوبی)، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۶
۲۸. الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، ابوعلی محمد بن عیسی بن سوره سلمی، تحقیق و تشریح احمد محمد شاکر، دارالحديث قاهره ۱۴۱۹ هـ ق
۲۹. الشَّهاب فی الحکم والأداب (المشتمل علی ألف حدیث شریف نبوی)، یحیی بن الحسین البحرانی، تصحیح و تنقیح محمدحسن زبری قاننی، الطباعة: موسسه الطبع و النشر التابعة للأستانة الرضیة المقدسة، مشهد ۱۴۳۰ هـ ق
۳۰. العراضة فی الحکایة السلجوقیة، محمد بن محمد بن نظام الحسینی یزدی، به کوشش مریم میرشمسی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار ۱۳۸۸
۳۱. الغیگ و زمان وی (امپراطوری مغول و دولت چغتائی)، و.و. بارتولد، ترجمه حسین احمدی‌پور، کتابفروشی چهر، [بی تا]
۳۲. الفهرست، محمد بن اسحاق بن ندیم، ترجمه محمدرضا تجدد، انتشارات اساطیر ۱۳۸۱
۳۳. الکافی (جلدهای ۲، ۶ و ۸)، محمد بن یعقوب بن اسحاق (ثقة الاسلام کلینی)، دارالحديث قم
۳۴. المعجم فی آثار ملوک العجم، شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی، به کوشش احمد فتوحی نسب، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۳
۳۵. امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیستم ۱۳۹۱
۳۶. انس التائبین و صراط‌الله المبین، احمد جام نامقی معروف به ژنده پیل، تصحیح و تحشیه و مقدمه علی فاضل، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۰
۳۷. انیس الناس، شجاع، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۲۵۳۶
۳۸. ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ هجدهم ۱۳۸۸
۳۹. ایران و قضیه ایران، جرج. ن. کرزن، ترجمه غلامرضا وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲
۴۰. بحار الانوار (جلدهای ۱۶، ۳۹، ۴۴، ۶۰، ۷۱، ۷۲، ۷۷ و ۹۳)، علامه محمدباقر مجلسی، تصحیح و مقابله محمدباقر بهبودی، دارالکتب الاسلامیه
۴۱. برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۸۳
۴۲. بستان السیاحه (سیاحت نامه)، حاج زین العابدین شیروانی، کتابخانه سنایی ۱۳۶۳
۴۳. بندش، فرنغ دادگی، گزارنده مهرداد بهار، انتشارات توس، چاپ پنجم ۱۳۹۵

۴۴. بیست مقاله قزوینی (مقالات ادبی و تاریخی میرزا محمدخان بن عبدالوهاب قزوینی)، با مقدمه ابراهیم پورداود، کتابفروشی ابن سینا ۱۳۳۲
۴۵. پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز، علیرضا آریان‌پور، انتشارات فرهنگسرا ۱۳۶۵
۴۶. پیراسته تاریخ‌نامه هرات، سیف‌بن محمد سیفی هروی، به کوشش محمد آصف فکرت، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار ۱۳۸۱
۴۷. پیشگامان حکومت‌های شیعی (تاریخ حمدانیان و فاطمیان)، دکتر مریم معزی، سمت ۱۳۹۰
۴۸. تاریخ آستان قدس، علی مؤتمن، آستان قدس رضوی، چاپ دوم ۱۳۵۴
۴۹. تاریخ آل مظفر، محمود کتبی، به اهتمام و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۴
۵۰. تاریخ اجتماعی ایران (جلد دوم)، مرتضی راوندی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۴
۵۱. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، چاپ هفتم ۱۳۶۹
۵۲. تاریخ اسماعیلیان قهستان، دکتر محمد فاروق فرقانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۵
۵۳. تاریخ افضل (بدایع الازمان فی وقایع کرمان)، افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی، فرآورده دکتر مهدی بیانی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۲۶
۵۴. تاریخ افغانستان بعد از اسلام، عبدالحی حبیبی، انتشارات دنیای کتاب، چاپ سوم ۱۳۶۷
۵۵. تاریخ الفی، قاضی احمد تتوی و آصف‌خان قزوینی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۲
۵۶. تاریخ اولجایتو، ابوالقاسم عبدالله‌بن محمد القاشانی، به اهتمام مهین همبلی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۴
۵۷. تاریخ ایران دوره تیموریان، پژوهش از دانشگاه کمبریج، مترجم دکتر یعقوب آژند، انتشارات جامی ۱۳۷۹
۵۸. تاریخ ایلچی نظام‌شاه (در تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۷۲ هجری قمری)، خورشاه‌بن قباد الحسینی، تصحیح، تحشیه، توضیح و اضافات دکتر محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۹
۵۹. تاریخ بخارا، ابوبکر محمدبن جعفر النرشخی، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القبادی، تلخیص محمدبن زفرین عمر، تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات توس ۱۳۶۳
۶۰. تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر (در شرح حکمرانی امیر میرحیدر در بخارا، محمدعلی خان در خوقند و جهانگیر خواجه در کاشغر)، میرزا شمس بخارایی، مقدمه، تصحیح و تحقیق محمد اکبر عشیق، نشر میراث مکتوب ۱۳۷۷

۶۱. تاریخ بناکتی (روضة اولی الالباب فی معرفة التواريخ و الانساب)، فخرالدین ابوسلیمان داودبن تاج‌الدین ابوالفضل محمدبن محمدبن داود البناکتی، به کوشش دکتر جعفر شعار، انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۴۸
۶۲. تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم الاسلام کرمانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۸۱
۶۳. تاریخ بیهقی، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، مقدمه، تصحیح، تحشیه و فهرست‌ها از دکتر قاری سیدکلیم‌الله حسینی، انتشارات اساطیر ۱۳۹۶
۶۴. تاریخ بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین دبیر بیهقی، تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ پنجم ۱۳۹۰
۶۵. تاریخ پانصد ساله تبریز (از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان)، سیدآقا عون‌اللهی، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷
۶۶. تاریخ پانصد ساله خوزستان، احمد کسروی، انتشارات گام-پایدار، چاپ چهارم ۲۵۳۶
۶۷. تاریخ تمدن (جلد سوم، قیصر و مسیح)، ویل دورانت، مترجمان حمید عنایت، پرویز داریوش و علی اصغر سروش، انتشارات اقبال: فرانکلین ۱۳۳۷
۶۸. تاریخ رشیدی، میرزا محمد حیدر دوغلات، تصحیح دکتر عباسقلی غفاری فرد، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۳
۶۹. تاریخ سری مغولان، ترجمه دکتر شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۹۷
۷۰. تاریخ سلاطین کرت، حافظ ابرو، تصحیح میرهاشم محدث، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۹
۷۱. تاریخ سند (تاریخ معصومی)، سیدمحمد معصوم بکری، به تصحیح عمر بن محمد داود پوته، انتشارات اساطیر ۱۳۸۲
۷۲. تاریخ سیستان (از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان)، ادموند کلیفورد باسورث، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۰
۷۳. تاریخ سیستان، به تصحیح محمد تقی بهار (ملک الشعرا)، انتشارات معین، چاپ سوم ۱۳۹۲
۷۴. تاریخ سروان و دربند، و. مینورسکی، ترجمه محسن خادم، ویراسته عبدالحسین آذرنگ، بنیاد دایرة المعارف اسلامی ۱۳۷۵
۷۵. تاریخ صنایع ایران، ج. کریستی ویلسن، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات فرهنگسرا ۱۳۶۶
۷۶. تاریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر ۱۳۸۶
۷۷. تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری، عبدالرفیع حقیقت، انتشارات کومش ۱۳۹۰
۷۸. تاریخ جهان آرای عباسی، میرزا محمد طاهر وحید قزوینی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات سیدسعید میرمحمد صادق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸۳
۷۹. تاریخ جهانگشای جونی، محمد جونی، تصحیح محمد قزوینی، دنیای کتاب ۱۳۸۵

۸۰. تاریخ جهانگشای جوینی، علاءالدین عطاملک محمدبن محمد الجوینی، به اهتمام دکتر احمد خاتمی، نشر علم ۱۳۹۴
۸۱. تاریخ حبیب السیر، خواند امیر، زیر نظر دکتر دیبیر سیاقی، انتشارات خیام، چاپ چهارم ۱۳۸۰
۸۲. تاریخ روضة الصفا (فی سيرة الانبياء و الملوك و الخلفاء)، جلد ۶ (بخش اول و دوم)، محمدبن خاوندشاه بن محمود میرخواند، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، اساطیر ۱۳۸۰
۸۳. تاریخ طبرستان، بهاءالدین محمدبن اسفندیار، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۱۳۹۶
۸۴. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، سید ظهیرالدین مرعشی، به تصحیح و اهتمام عباس شایان، انتشارات اساطیر ۱۳۹۵
۸۵. تاریخ عالم آرای امینی (شرح حکمرانی سلاطین آق قویونلو و ظهور صفویان)، فضل الله روزبهان خنجی اصفهانی، تصحیح محمد اکبر عشیق، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۲
۸۶. تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان، زیر نظر با تنظیم فهرست ها و مقدمه ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۰
۸۷. تاریخ فرشته، محمد قاسم هندوشاه استرآبادی، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات دکتر محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۳
۸۸. تاریخ قم، حسن بن محمدبن حسن بن صائب بن مالک اشعری قمی، ترجمه تاج الدین حسن بن بهاءالدین علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ۱۳۸۵
۸۹. تاریخ کاشان، عبدالرحیم کلانتر ضرابی (سهیل کاشانی)، بکوشش ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۷۸
۹۰. تاریخ کرمان (سالاریه)، احمد علی خان وزیری کرمانی، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات ابن سینا، چاپ دوم ۱۳۵۲
۹۱. تاریخ گردیزی (زین الاخبار)، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود گردیزی، به تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب ۱۳۶۳
۹۲. تاریخ گزیده، حمد الله مستوفی، با اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۹۴
۹۳. تاریخ گیلان و دیلمستان، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی، با تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم ۱۳۶۴
۹۴. تاریخ مازندران، ملا شیخ علی گیلانی، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
۹۵. تاریخ مبارک غازانی، رشیدالدین فضل الله بن عمادالدوله ابوالخیر، به سعی و اهتمام و تصحیح کارل یان، نشر پرشش ۱۳۸۸
۹۶. تاریخ مغول، عباس اقبال آشتیانی، انتشارات ساحل ۱۳۹۰

۹۷. تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه، احمد السباعی، ترجمه و تحقیق رسول جعفریان، مشعر ۱۳۹۱
۹۸. تاریخ ملازاده (در ذکر مزارات بخارا)، احمد بن محمود معین الفقراء، باهتمام احمد گلچین معانی، مرکز مطالعات ایرانی ۱۳۷۰
۹۹. تاریخ منتظم ناصری، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب ۱۳۶۳
۱۰۰. تاریخنامه طبری (بخش چاپ نشده)، محمد بن جریر طبری، گردانیده منسوب به محمد بن محمد بلعمی، به تصحیح و تحشیه محمد روشن، نشر البرز ۱۳۷۳
۱۰۱. تاریخنامه هرات، سیف بن محمد بن یعقوب الهروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات اساطیر ۱۳۸۳
۱۰۲. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی، مترجم ابولقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۹
۱۰۳. تاریخ و جغرافیای قم، افضل الملک کرمانی (غلامحسین ادیب کرمانی)، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، انتشارات وحید ۱۳۹۶
۱۰۴. تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه، فرهاد دفتری، ترجمه فریدون بدره‌ای، نشر فرزانه روز، چاپ سوم ۱۳۹۷
۱۰۵. تاریخ وصاف الحضرة، ادیب شهاب‌الدین (شرف‌الدین) عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی، مقدمه، تصحیح، تحشیه علیرضا حاجیان نژاد، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۸
۱۰۶. تاریخ و عقاید ماتریدییه، سید لطف‌الله جلالی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۸۶
۱۰۷. تاریخ و عقاید مذاهب شیعه (المقالات و الفرق)، سعد بن عبدالله ابی خلف اشعری قمی، ترجمه یوسف فضایی، تعلیقات دکتر محمد جواد مشکور، آشیانه کتاب، چاپ دوم ۱۳۸۷
۱۰۸. تاریخ هرات، شیخ عبدالرحمان بن عبدالجبار فامی هروی، با مقدمه محمد حسن میر حسینی و محمد رضا ابوی مهریزی، با پیش‌گفتار ایرج افشار، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۷
۱۰۹. تاریخ هند، رومیلاتاپار، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ادیان ۱۳۸۷
۱۱۰. تاریخ یزد، جعفر بن محمد بن حسن جعفری، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۴
۱۱۱. تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام، سیدمرتضی بن داعی حسینی رازی، به تصحیح عباس اقبال، انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۱۳۸۳
۱۱۲. تحدید نهايات الأماكن لتصحیح مسافات المساکن، ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، ترجمه احمد آرام، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۲
۱۱۳. تحریر تاریخ وصاف، عبدالمحمد آیتی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۸۳
۱۱۴. تذکرة الاولیاء، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهرس از دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، چاپ دوازدهم ۱۳۸۰

۱۱۵. تذکرة الاولیاء محرابی کرمانی (مزارات کرمان)، سعید محرابی کرمانی، براهنمایی و مساعی سیدمحمد هاشمی کرمانی، باهتمام و سرمایه حسین کوهی کرمانی، چاپخانه مجلس ۱۳۳۰
۱۱۶. تذکرة الخواتین (در شرح حال مشاهیر نسوان عالم از عرب و روم و هند و عجم از صدر اسلام تا کنون)، محمدبن محمد رفیع ملقب به ملک الکتاب شیرازی، چاپ سنگی بمبئی ۱۳۰۶ هـ ق
۱۱۷. تذکرة الشعراء، دولتشاه سمرقندی، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، انتشارات اساطیر ۱۳۸۲
۱۱۸. تذکرة الملوك، میرزا سمیعا، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکرة الملوك، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۷۸
۱۱۹. تذکرة جلالی، عبدالغفور طاهری، فرهنگ ایران زمین (جلد ۱۳)، زیر نظر ایرج افشار، انتشارات سخن ۱۳۸۵
۱۲۰. تذکرة خواجه محمدبن صدیق کججانی، حسن بن حمزة بن محمد الپلاسی الشیرازی، ترجمه مولانا نجم‌الدین طارمی، انتشارات خانقاه احمدی ۱۳۶۸
۱۲۱. تذکرة دلگشا، حاج علی اکبر نواب شیرازی، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید شیراز ۱۳۷۱
۱۲۲. تذکرة روضة السلاطین و جواهرالعجایب، سلطان محمد فخری بن محمد امیری هروی، تصحیح و تحشیه سیدحسام‌الدین راشدی، سندی ادبی بورد حیدرآباد، طبع اول ۱۹۶۸
۱۲۳. تذکرة مجالس النفائس، میر نظام‌الدین علی شیرنویی، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ۱۳۲۳
۱۲۴. تذکرة مرآة الخیال، شیرعلی خان لودی، به اهتمام حمید حسنی، با همکاری بهروز صفرزاده، روزنه ۱۳۷۷
۱۲۵. تذکرة هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح، تعلیقات و حواشی سیدمحمد رضا طاهری، انتشارات سروش ۱۳۷۸
۱۲۶. [تذکرة] هفت اقلیم، امین احمد رازی، با تصحیح و تعلیق جواد فاضل، کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادبیه [بی‌تا]
۱۲۷. ترجمه تاریخ یمینی، ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، مصحح دکتر جعفر شعار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۷۴
۱۲۸. ترجمه غرر الحکم و درر الکلم، مؤلف ابوالفتح ناصح‌الدین عبدالواحد بن محمد آمدی، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی، چاپ قم، امام عصر (عج) ۱۳۸۰
۱۲۹. ترجمه محاسن اصفهان، مفضل بن سعد بن حسین مافروخی، به قلم حسین بن محمد بن ابی‌الرضا آوی، باهتمام عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ ۱۳۲۸
۱۳۰. ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (معروف به ابن فقیه همدانی)، ترجمه ح. مسعود، محقق محمد رضا حکیمی، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران ۱۳۴۹
۱۳۱. ترخان نامه (تاریخ سند در زمانی ارغون خان و ترخان)، میرمحمد بن سیدجلال تتوی، باهتمام سیدحسام‌الدین راشدی، سندی ادبی بورد، حیدرآباد سند ۱۹۶۵

۱۳۲. ترکستان نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول)، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات آگاه، چاپ دوم ۱۳۶۶
۱۳۳. تزکات تیموری، تحریر ابوطالب حسینی تربتی، باهتمام کتابفروشی اسدی ۱۳۴۲
۱۳۴. تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق قوینلو و ظهور دولت صفوی، والتر هینتس، ترجمه کیکاووس جهاندار، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم ۱۳۷۸
۱۳۵. تشیع در هند، جان نورمن هالیستر، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۳
۱۳۶. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۳
۱۳۷. تقویم البلدان، ابوالفداء، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹
۱۳۸. تکملة الاخبار، عبدی بیگ شیرازی، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوایی، نشر نی ۱۳۶۹
۱۳۹. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، آدام متز، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرلو، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲
۱۴۰. توضیح الملل (ترجمه کتاب الملل و النحل)، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی، تحریری نو: مصطفی خالقداد هاشمی، مقدمه و حواشی و تصحیح و تعلیقات سیدمحمدرضا جلالی نائینی، انتشارات اقبال، چاپ سوم ۱۳۶۲
۱۴۱. جامع التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای)، رشیدالدین فضل الله همدانی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۵
۱۴۲. جامع التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، رشیدالدین فضل الله همدانی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، نشر میراث مکتوب ۱۳۹۲
۱۴۳. جامع التواریخ حسنی (بخش تیموریان پس از تیمور)، تاج الدین حسن بن شهاب یزدی، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی و ایرج افشار، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، دانشگاه کراچی، کراچی پاکستان، ۱۳۵۶
۱۴۴. جامع التواریخ (در تاریخ مغول)، رشیدالدین فضل الله الوزير ابن عمادالدوله ابی الخیرین موفق الدوله علی، به کوشش دکتر بهمن کریمی، انتشارات اقبال، چاپ دوم ۱۳۶۲
۱۴۵. جامع التواریخ (سرگذشت حسن صباح و جانشینان او)، خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر همدانی، به کوشش دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، انتشارات خجسته، چاپ سوم ۱۳۸۵
۱۴۶. جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، ترجمه لیلا ربن شه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۵
۱۴۷. جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، گای لسترینج، مترجم محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم ۱۳۹۳
۱۴۸. جغرافیای حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی مشهور به حافظ ابرو، مقدمه، تصحیح و تحقیق صادق سجادی، نشر میراث مکتوب ۱۳۷۵

۱۴۹. جهانگشای نادری، میرزا مهدی خان استرآبادی، به اهتمام سیدعبدالله انوار، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۷
۱۵۰. چهار مقاله، احمد نظامی عروسی سمرقندی، به سعی و اهتمام و تصحیح علامه محمدبن عبدالوهاب قزوینی، انتشارات اشراقی، چاپ دوم (بی تا)، ۱۳۲۷ هجری
۱۵۱. چهل مجلس، تحریرامیر اقبال سیستانی، به اهتمام عبدالرفیع حقیقت، اساطیر ۱۳۷۹
۱۵۲. چین نامه، مائوریچی، ترجمه از متن لاتین محمد زمان (نقاش نامدار عصر صفوی)، مقدمه، تصحیح، توضیح و مقابله با ترجمه های کهن چینی و انگلیسی و ایتالیایی از لو جین، پیشگفتار مظفر بختیار، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۷
۱۵۳. حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، کتابخانه طهوری ۱۳۶۲
۱۵۴. حروفیه در تاریخ، دکتر یعقوب آژند، نشر نی ۱۳۶۹
۱۵۵. حروفیه (تاریخ، عقاید، عبادات، قیامت، ...)، فاتح اسلوار، ترجمه داود وفایی، انتشارات مولی ۱۳۹۱
۱۵۶. خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی (باب اول)، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان و حمید رام پیشه، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم ۱۳۶۲
۱۵۷. خراسان و سیستان، (سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان)، چارلز ادوارد بیت، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، انتشارات یزدان ۱۳۶۵
۱۵۸. خطای نامه (شرح مشاهدات سید علی اکبر خطایی در سرزمین چین)، به پیوست سفرنامه غیاث الدین نقاش، به کوشش ایرج افشار، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، چاپ دوم ۱۳۷۲
۱۵۹. خلاصة التواریخ، قاضی احمد بن شرف الدین حسین حسینی منشی قمی، تصحیح دکتر احسان اشراقی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۳
۱۶۰. خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی از کشف الاسرار ده جلدی اثر خواجه عبدالله انصاری، تألیف امام احمد میبدی، نگارش حبیب الله آموزگار، انتشارات اقبال، چاپ بیست و پنجم ۱۳۹۰
۱۶۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (جلدهای ۱، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۵)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی
۱۶۲. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی
۱۶۳. دانشنامه حافظ و حافظ پژوهشی، تحت سرپرستی عبدالله جاسبی، ویراستار بهاء الدین خرمشاهی، موسسه فرهنگی هنری نخستان پارسی ۱۳۹۷
۱۶۴. دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم (ادب فارسی در افغانستان)، به سرپرستی حسن انوشه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم ۱۳۸۱
۱۶۵. دایرة المعارف فارسی (۲ جلد در ۳ مجلد)، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۸۰

۱۶۶. دبستان مذاهب، موبد کیخسرو اسفندیار، با یادداشت‌های رحیم رضا زاده ملک، کتابخانه طهوری ۱۳۶۲
۱۶۷. در قلمروی خانان مغول، آنه ماری شیمبل، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۶
۱۶۸. دروس هیئت و دیگر رشته‌های ریاضی، علامه حسن حسن‌زاده آملی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ۱۳۷۱
۱۶۹. درویش ستهنده (از میراث عرفانی شیخ جام)، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن ۱۳۹۳
۱۷۰. دره نادره، میرزا مهدی خان استرآبادی، به اهتمام سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۴
۱۷۱. دستور الکاتب فی تعیین المراتب، محمد بن هندوشاه نخجوانی، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی خاورشناسی، مسکو ۱۹۷۶
۱۷۲. دستورالوزراء (شامل احوال وزرای اسلام تا انقراض تیموریان ۹۱۴)، غیاث‌الدین بن همام‌الدین معروف به خوند میر، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، انتشارات اقبال، چاپ دوم ۲۵۳۵
۱۷۳. دنباله جستجو در تصوف ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم ۱۳۸۷
۱۷۴. دین و دولت در ایران عهد مغول، شیرین بیانی، دوره سه جلدی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم ۱۳۸۹
۱۷۵. دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی، به تصحیح کرامت تفنگدار، نشر چکامه ۱۳۷۴
۱۷۶. دیوان انوری، با مقدمه سعید نفیسی، به اهتمام پرویز بابایی، انتشارات نگاه، چاپ دوم ۱۳۹۴
۱۷۷. ذیل تاریخ گزیده، زین‌الدین بن حمدالله مستوفی قزوینی، به کوشش ایرج افشار، انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، چاپ دوم ۱۳۹۶
۱۷۸. ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، چاپ خانابا بیانی ۱۳۱۷
۱۷۹. ذیل مجمع‌الأنساب شبانکاره‌ای، غیاث‌الدین بن علی نایب فریومدی، [در مجمع‌الأنساب شبانکاره‌ای] به تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۱
۱۸۰. راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، به سعی و اهتمام محمد اقبال، انتشارات اساطیر ۱۳۸۶
۱۸۱. راهنمای خراسان، دکتر علی شریعتی، انتشارات الفبا، چاپ دوم ۱۳۶۳
۱۸۲. رجال کتاب حبیب‌السیر، گردآوری، مقدمه و اضافات دکتر عبدالحسین نوایی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۹
۱۸۳. رساله آثار علوی، ابوحاتم مظفر اسفزاری، مصحح محمد تقی مدرس رضوی، بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶
۱۸۴. رساله فریدون بن احمد سپهسالار در احوال مولانا جلال‌الدین مولوی، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، انتشارات اقبال ۱۳۲۵
۱۸۵. رساله قشیری، عبدالکریم بن هوازن قشیری، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، با تصحیحات و استدراکات بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم ۱۳۹۱

۱۸۶. رساله لرستان و لرها، ولادیمیر مینورسکی، [در دو سفرنامه درباره لرستان، سسیل جان ادموندز، بارون دوبد]، مترجمان سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، انتشارات بابک ۱۳۶۲
۱۸۷. رساله مزارات با برکات هرات، عبدالکریم احراری، مطبعة دانش، طبع هرات ۱۳۱۰
۱۸۸. رساله مقامات طاهرالدین محمد و شمس‌الدین ابراهیم، با مقدمه ژان اوین، فرهنگ ایران زمین، ج ۲، ۱۳۳۳
۱۸۹. روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، جلد دوم: روزگار پادشاهی مظفرالدین‌شاه، به کوشش مسعود میرزا سالور و ایرج افشار، انتشارات اساطیر ۱۳۷۶
۱۹۰. روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، کتابخانه طهوری، کتابخانه سنایی ۱۳۶۲
۱۹۱. روایات الجنات فی اوصاف مدینة هرات، معین‌الدین محمد زمچی اسفزاری، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۸
۱۹۲. روایات الجنان و جنات الجنان، حافظ حسین کربلایی تبریزی، تصحیح جعفر سلطان‌القرائی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۹
۱۹۳. روضه‌های ششم و هفتم از خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)، محمدیوسف واله اصفهانی فزوینی، به کوشش میرهاشم محدث، میراث مکتوب ۱۳۷۹
۱۹۴. ریاض الصالحین من کلام سید المرسلین، محی‌الدین یحیی بن شرف النووی، دارالوفاء، المنصوره مصر ۱۴۲۸ هـ.ق
۱۹۵. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، علامه محمدعلی مدرس تبریزی، انتشارات خیام، چاپ چهارم ۱۳۷۴
۱۹۶. زبدة التواریخ، حافظ ابرو، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: سید کمال حاج سیدجوادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۸۰
۱۹۷. زبور آل داود (شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه)، سلطان هاشم میرزا، با تصحیحات و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوایی، نشر میراث مکتوب ۱۳۷۹
۱۹۸. زندگانی شگفت‌آور تیمور، ترجمه کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور، ابن عرب‌شاه، ترجمه محمدعلی نجاتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۲۵۳۶
۱۹۹. سبک‌شناسی (تاریخ تطور نثر فارسی)، محمدتقی بهار ملک‌الشعرا، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۵
۲۰۰. سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمدعلی موحد، نشر آگه، چاپ ششم ۱۳۷۶
۲۰۱. سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۶
۲۰۲. سفرنامه ابودلف در ایران، ابودلف مسعربن المهلهل الخزرجی، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، انتشارات زوار، چاپ دوم ۱۳۵۴

۲۰۳. سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و ...، میرزا ابراهیم، گردآورنده مسعود گلزاری، بنیاد فرهنگ ایران
۱۳۵۵
۲۰۴. سفرنامه ایران و روسیه (نواحی شمال ایران)، عزالدوله عبدالصمد میرزا، ملکونوف، به کوشش محمد
گلبن و فرامرز طالبی، دنیای کتاب ۱۳۶۳
۲۰۵. سفرنامه بخارا (عصر محمدشاه قاجار ۱۲۶۰-۱۲۵۹ هـ.ق)، مولف ناشناخته، مصحح حسین زمانی،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۳
۲۰۶. سفرنامه تاورنیه، ژان باتیست تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، کتابخانه سنایی ۱۳۳۶
۲۰۷. سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ابراهیم و. ویلیامز جکسن، ترجمه منوچهرامیری و فریدون
بدره‌ای، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم ۱۳۶۹
۲۰۸. سفرنامه خراسان و کرمان، غلامحسین خان افضل الملک، به اهتمام قدرت‌الله روشنی، انتشارات توس
[بی تا]
۲۰۹. سفرنامه دوم نجم‌الدوله به خوزستان، عبدالغفار بن علی محمد نجم‌الدوله، تصحیح، تحشیه و
تعلیقات احمد کتابی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۸۶
۲۱۰. سفرنامه سیف‌الدوله (معروف به سفرنامه مکه)، سلطان محمد میرزا قاجار سیف‌الدوله، به تصحیح و
تحشیه علی‌اکبر خداپرست، نشرنی ۱۳۶۴
۲۱۱. سفرنامه شاردن (دوره پنج جلدی)، ژان شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۹۳
۲۱۲. سفرنامه فرد ریچاردز، فردریک چارلز ریچاردز، ترجمه مهین‌دخت بزرگمهر (صبا)، انتشارات علمی و
فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۹
۲۱۳. سفرنامه صفاء السلطنه نائینی (تحفة الفقرا)، علی‌بن محمد مشتاقی نائینی (میرزا علی‌خان
صفاء السلطنه نائینی)، به اهتمام محمد گلبن، انتشارات اطلاعات ۱۳۶۶
۲۱۴. سفرنامه کاری، جووانی فرانچسکو جملی کاری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره
کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی ۱۳۴۸
۲۱۵. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح و تحشیه محمود غنی‌زاده، انتشارات اساطیر ۱۳۸۴
۲۱۶. سفرنامه‌های خطی فارسی (دوره چهار جلدی)، تصحیح و پژوهش هارون وهومن، نشر اختران ۱۳۸۸
۲۱۷. سفرنامه قفقاز و ایران، ارنست اورسل، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی ۱۳۸۲
۲۱۸. سفرنامه کلاویخو، روی گونسالس د کلاویخو، مترجم مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی،
چاپ پنجم ۱۳۸۴
۲۱۹. سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه، به قلم میرزا محمدهادی علوی شیرازی،
بکوشش محمد گلبن، دنیای کتاب ۱۳۶۳
۲۲۰. سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهرامیری، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم ۱۳۸۱

۲۲۱. سفینه سلیمانی (سفرنامه سفیر ایران به سیام)، محمدربیع بن محمد ابراهیم، تصحیح، تحشیه و تعلیقات دکتر عباس فاروقی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۶
۲۲۲. سلجوقیان و غز در کرمان، افضل‌الدین ابوحامد کرمانی، تحریر میرزا محمد ابراهیم خبیصی، مقدمه، تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات کورش ۱۳۷۳
۲۲۳. سلسلة التواریخ یا اخبار الصين و الهند، سلیمان تاجر سیرافی، با گردآوری و اضافات ابوزید حسن سیرافی، ترجمه دکتر حسین قرچانلو، انتشارات اساطیر ۱۳۸۱
۲۲۴. سمط العلی للحضرة العلیا (در تاریخ قراختائیان کرمان)، ناصرالدین منشی کرمانی، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال، انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۱۳۶۲
۲۲۵. سنن ابی داود، ابی داود سلیمان بن اشعث بن اسحق سجستانی، دارالحديث القاهرة ۱۴۲۰ هـ ق
۲۲۶. سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، آرمینیوس وامبری، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۷۴
۲۲۷. سیرالملوک (سیاست‌نامه)، خواجه نظام‌الملک طوسی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی با همکاری انتشارات سخن ۱۳۹۸
۲۲۸. سیرت جلال‌الدین منکبرنی، شهاب‌الدین محمد خرنذری زیدری نسوی، تصحیح، مقدمه و تعلیقات: مجتبی مینوی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم ۱۳۹۴
۲۲۹. سیرت رسول‌الله، رفیع‌الدین اسحاق ابن محمد همدانی (قاضی ابرقوه)، ویرایش متن جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، چاپ دوم ۱۳۷۵
۲۳۰. شاهنامه فردوسی، ویراسته مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۷۴
۲۳۱. شَدُّ الإِزار فی حَظِّ الأوزار عن زوار المزار (مزارات شیراز)، معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، به تصحیح علامه محمد قزوینی و عباس اقبال، چاپخانه مجلس ۱۳۲۸
۲۳۲. شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، عبدالله مستوفی، انتشارات زوار، چاپ ششم ۱۳۸۸
۲۳۳. شرفنامه (تاریخ مفصل کردستان)، شرف‌خان بن شمس‌الدین بدلیسی، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، انتشارات اساطیر ۱۳۷۷
۲۳۴. شناسنامه افغانستان، بصیر احمد دولت‌آبادی، عرفان، چاپ چهارم ۱۳۸۷
۲۳۵. شیخ صفی و تبارش (دروغ بودن سیادت صفویان)، احمد کسروی، انتشارات فردوس ۱۳۷۹
۲۳۶. شیرازنامه، ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زرکوب شیرازی، به کوشش دکتر اسمعیل واعظ‌جوادی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۰
۲۳۷. صاحب‌بن‌عباد، احمد بهمنیار، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۸۳
۲۳۸. صحیح البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، چاپ دوم ۱۴۱۰ هـ ق

۲۳۹. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، مصحح محمد فؤاد عبدالباقی، دارالحدیث، قاهره ۱۴۱۲ هـ ق
۲۴۰. صفوة الصفا، ابن بزاز اردبیلی، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، زریاب ۱۳۷۶
۲۴۱. صفویان، ترجمه و تدوین دکتر یعقوب آژند، انتشارات مولی ۱۳۸۰
۲۴۲. طبقات ناصری، منهاج سراج جوزجانی، تصحیح، مقابله و تحشیه عبدالحی حبیبی، انتشارات اساطیر ۱۳۸۹
۲۴۳. طرائق الحقایق، محمد معصوم شیرازی معصومعلیشاه نائب الصدر، با تصحیح محمد جعفر محبوب، انتشارات کتابخانه سنایی ۱۳۴۹
۲۴۴. ظفرنامه، تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی، نظام الدین شامی، با مقدمه و کوشش پناهی سمنانی، انتشارات بامداد ۱۳۶۳
۲۴۵. ظفرنامه، شرف الدین علی یزدی، تصحیح و تحقیق سیدسعید میر محمد صادق و دکتر عبدالحسین نوایی، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد ۱۳۸۷
۲۴۶. عتبة الکتبة (گزیده‌ای از مراسلات دیوان سلطان سنجر سلجوقی)، علی بن احمد منتجب الدین اتابک جوینی، به اهتمام مریم صادقی، نشر نگاه معاصر ۱۳۹۶
۲۴۷. عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، محمد بن محمود بن احمد طوسی، به اهتمام منوچهر ستوده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۹۱
۲۴۸. عقد العلی للموقف الاعلی، افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد کرمانی، به تصحیح و اهتمام علیمحمد عامری نائینی، انتشارات روزبهان ۲۵۳۶
۲۴۹. عوالی اللآلی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم إحسانی (ابن ابی جمهور)، مقدمه سید شهاب الدین مرعشی نجفی، محقق مجتبی عراقی، مؤسسه سیدالشهداء (ع)، قم، ۱۴۰۳ هـ ق
۲۵۰. غرر الحکم و درر الکلم، ابوالفتح عبدالواحد بن محمد آمدی، مصحح مهدی رجایی، دارالکتاب الاسلامی، قم ۱۴۱۰ هـ ق
۲۵۱. غزالی نامه، استاد جلال الدین همایی، انتشارات زوار ۱۳۹۷
۲۵۲. فارسنامه، ابن بلخی، تصحیح و تحشیه گای لسترینج و رینولد آلن نیکلسون، انتشارات اساطیر ۱۳۸۵
۲۵۳. فارسنامه ناصری، حاج میرزا حسن حسینی فسایی، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۲
۲۵۴. فتح نامه سند (چچ نامه)، علی بن حامد کوفی، تصحیح داود پوته، انتشارات اساطیر ۱۳۸۴
۲۵۵. فتوت نامه سلطانی، مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری، به اهتمام محمد جعفر محبوب، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۰
۲۵۶. فتوحات شاهي، امیر صدرالدین ابراهیم امینی هروی، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات دکتر محمد رضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۳

۲۵۷. فرائد غیائی، جلال‌الدین یوسف اهل، به کوشش دکتر حشمت موید، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۸
۲۵۸. فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، محمودبن عثمان، به کوشش ایرج افشار، انجمن آثار ملی ۱۳۵۸
۲۵۹. فردوسی و شعرا، نگارش مجتبی مینوی، انتشارات کتابفروشی دهخدا، چاپ دوم ۱۳۵۴
۲۶۰. فرقه‌های اسلامی، مالدونگ، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، انتشارات اساطیر، چاپ سوم ۱۳۹۰
۲۶۱. فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، محمد مهریار، انتشارات فرهنگ مردم، اصفهان ۱۳۸۲
۲۶۲. غنوصیان در اسلام: شیعیان غالی و علویان، هاینس هالم، مترجم احسان موسوی خلخالی، انتشارات حکمت ۱۳۹۴
۲۶۳. قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفدهم ۱۳۹۰
۲۶۴. قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، دکتر منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۵
۲۶۵. قلندریه در تاریخ، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، چاپ چهارم ۱۳۹۴
۲۶۶. قم نامه (مجموعه مقالات و متون درباره قم)، سیدحسین مدرسی طباطبائی، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ۱۳۶۴
۲۶۷. قندیه (در بیان مزارات سمرقند)، ملا عبدالحکیم، به کوشش ایرج افشار، کتابفروشی طهوری ۱۳۳۴
۲۶۸. کتاب الخراج، ابوالفرج قدامة بن جعفر (کاتب بغدادی)، ترجمه و تحقیق دکتر حسین قره‌چانلو، نشر البرز ۱۳۷۰
۲۶۹. کتاب دیار بکر، تاریخ حسن بیگ آق‌قوینلو و اسلاف او و آنچه بدان متعلق است از تواریخ قراقوینلو و چغاتای، ابوبکر طهرانی، به تصحیح و اهتمام نجاتی لوغال و فاروق سومر، کتابخانه طهوری، چاپ دوم ۲۵۳۶
۲۷۰. کتاب گیلان، به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی، گروه پژوهشگران ایران ۱۳۷۴
۲۷۱. کشف المحجوب، ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، انتشارات سروش، چاپ نهم ۱۳۹۳
۲۷۲. کلیله و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۴۵
۲۷۳. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، العلامة علاءالدین علی الممتقی بن حسام‌الدین الهندی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۱ هـ
۲۷۴. گرگان و استرآباد (سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی)، اسدالله معطوفی، حروفیه ۱۳۸۷
۲۷۵. لب التواریخ، یحیی بن عبداللطیف قزوینی، تصحیح میرهاشم محدث، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۶
۲۷۶. مآثرالملوک، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی خواندمیر، به تصحیح میرهاشم محدث، موسسه خدمات فرهنگی رسا ۱۳۷۲

۲۷۷. مازندران و استرآباد، یاسنت لویی رابینو، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۸۳
۲۷۸. مجالس المومنین، علامه قاضی نورالله شوشتری، کتابفروشی اسلامیه ۱۳۵۴
۲۷۹. مجمع الامثال میدانی، ابوالفضل احمد بن محمد نیشابوری (معروف به میدانی)، آستانة الرضویة المقدسة، معاونية الثقافية، مشهد ۱۳۶۶
۲۸۰. مجمع الأنساب، محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، به تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۱
۲۸۱. مجمع التواريخ (در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا سال ۱۲۰۷ هجری قمری)، میرزا محمدخلیل مرعشی صفوی، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، طهوری ۱۳۶۲
۲۸۲. مجمل رشوند، شرح وقایع و گزارش‌های تاریخی منطقه رودبار و الموت، نواحی اطراف آن و قزوین در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۱ ه.ق، محمدعلی خان رشوند، مقدمه، تصحیح و تحقیق منوچهر ستوده، عنایت‌الله مجیدی، دفتر نشر میراث مکتوب ۱۳۷۶
۲۸۳. مجمل التواريخ والقصص، تصحیح و تحشیه، ملک الشعراء بهار، انتشارات اساطیر ۱۳۸۹
۲۸۴. مجمل فصیحی، فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، مشهد، کتابفروشی باستان ۱۳۳۹
۲۸۵. مرآة البلدان، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، با تصحیحات و حواشی و فهرس به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۷
۲۸۶. مراصد الاطلاع علی أسماء الأمکنة والبقاع، صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق بغدادی، محقق علی محمد بجاوی، دارالجلیل، بیروت ۱۴۱۲ ه.ق
۲۸۷. مرزبان‌نامه، سعدالدین وراوینی، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ بیست و دوم ۱۳۹۳
۲۸۸. مرشد و مرید، مکاتبات عبدالرحمن اسفراینی با علاءالدوله سمنانی، با تصحیحات و مقدمه هرمان لندلت، انستیتوی فرانسوی پژوهشهای علمی در ایران ۱۳۵۱
۲۸۹. مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن حسین مسعودی، مترجم ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم ۱۳۹۰
۲۹۰. مرو (بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی)، دکتر سیدمنصور سید سجادی، سازمان میراث فرهنگی ۱۳۸۳
۲۹۱. مسالک و ممالک، ابن خردادبه، ترجمه سعید خاکرند، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی ۱۳۷۱
۲۹۲. مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار (تاریخ سلاجقه)، محمود بن محمد آقسرائی، باهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۱۳۶۲
۲۹۳. مسخر البلاد (تاریخ شبانیان)، محمدیاربن عرب قطغان، تصحیح نادره جلالی، نشر میراث مکتوب ۱۳۸۵

۲۹۴. مطلع سعدین و مجمع بحرین، کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۲
۲۹۵. معجم البلدان، یاقوت حموی بغدادی، ترجمان دکتر علینقی منزوی، سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۸۰
۲۹۶. مفاتیح الجنان (کلیات)، شیخ عباس قمی، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، ویراستار محمدرضا رضوان طلب، آیین دانش ۱۳۹۴
۲۹۷. مقاصد الالاحان، عبدالقادرین غیبی حافظ مراغی، باهتمام تقی بینش، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۲۵۳۶
۲۹۸. مقدمه‌ای بر شناخت، ایل‌ها و چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، ایرج افشار سیستانی، مؤلف ۱۳۶۶
۲۹۹. مقصدالاقبال سلطانی و مرصدالآمال خاقانی، سید اصیل الدین عبدالله واعظ، به کوشش مایل هروی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۸۶
۳۰۰. مکاتیب فارسی غزالی (فضائل الأنام من رسائل حجة الاسلام)، به اهتمام و حواشی مهدی قربانیان، نشر بصیرت ۱۳۹۴
۳۰۱. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، به تصحیح محمودبن ملاصالح، شریف رضی، قم ۱۳۷۰
۳۰۲. ممالک و مسالک، ابواسحق ابراهیم اصطخری، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار ۱۳۷۳
۳۰۳. منتخب التواریخ معینی، معین الدین نطنزی، به اهتمام پروین استخری، اساطیر ۱۳۸۳
۳۰۴. من لایحضره الفقیه (جلد ششم)، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، مترجم و شارح علی اکبر غفاری، مترجم محمدجواد غفاری و صدرالدین بلاغی، نشر صدوق ۱۳۶۷
۳۰۵. مواهب الهی در تاریخ آل مظفر، معین الدین بن جلال الدین محمد معلم یزدی، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، انتشارات اقبال، طهران ۱۳۲۶
۳۰۶. موسوعة تاریخ العراق بین احتلالین (المجلد الاول، حکومت المغول)، عباس العزاوی، قم، مکتبه الحیدریه ۱۴۲۵ هـ ق
۳۰۷. میزان الحکمة (جلد سه)، محمد محمدی ری شهری، انتشارات دارالحدیث ۱۳۸۴
۳۰۸. نامنامه ایلات و عشایر و طوایف (ایران تاریخی و فرهنگی)، منوچهر ستوده با همکاری خورشید مومنی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۸۵
۳۰۹. نامه‌های طبیب نادرشاه، پادری بازن فرانسوی، ترجمه دکتر علی اصغر حریری، به کوشش بدرالدین یغمایی، انتشارات شرق ۱۳۶۵
۳۱۰. نرم افزار تاریخ ایران اسلامی ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
۳۱۱. نرم افزار جغرافیای جهان اسلام ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
۳۱۲. نزهة القلوب، حمدالله بن ابوبکر بن حمدالله مستوفی قزوینی، به تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات سفیر اردهال ۱۳۹۶

۳۱۳. نزہة المشتاق في إختراق الآفاق، ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریس حمودی معروف به شریف ادریسی، عالم الکتب، بیروت ۱۴۰۹ هـ ق
۳۱۴. نظام اجتماعی مغول، باریس یاکوولویوچ ولادیمیر تسوف، مترجم شیرین بیانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم ۱۳۸۶
۳۱۵. نشة المصدر، انشای شهاب الدین محمد خرندزی زیدری نسوی، تصحیح و توضیح دکتر امیر حسن یزدگردی، انتشارات توس ۱۳۹۴
۳۱۶. نفحات الانس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، انتشارات سخن، چاپ هفتم (سوم سخن) ۱۳۹۴
۳۱۷. نقض، بعضی مثالاب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل قزوینی رازی، بتصحیح میرجلال الدین محدث ارموی، انجمن آثار ملی ۱۳۵۸
۳۱۸. نوادر، ترجمه منتخب کتاب محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، تألیف راغب اصفهانی، ترجمه محمد صالح قزوینی، به اهتمام احمد مجاهد، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۹۶
۳۱۹. نوروزنامه، حکیم عمر خیام نیشابوری، تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی، انتشارات اساطیر ۱۳۸۰
۳۲۰. نوشته بردیا (از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی)، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن ۱۳۹۵
۳۲۱. نهج البلاغه، خطبه ها، نامه ها، حکمت ها و کلمات قصار امام علی بن ابیطالب (ع)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سی و سوم ۱۳۹۸
۳۲۲. نهضت سرداران خراسان، الییا پاولویوچ پطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، پیام ۱۳۵۱
۳۲۳. وسائل الشیعة (جلد هفدهم)، شیخ محمد حسن حر عاملی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم ۱۴۱۶ هـ ق
۳۲۴. وقفیه کججی، به کوشش ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۲۱، انتشارات سخن ۱۳۸۵
۳۲۵. هنرمانوی، هانس یواخیم کلیم کایت، ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق، نشر هیرمند ۱۳۹۶
۳۲۶. یادداشت های قزوینی (جلدهای ۱، ۳ و ۶)، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، چاپ سوم ۱۳۶۳

ج- مقاله ها

- ۱- تشیع قراقویونلوها (۷۸۰-۸۷۲ هـ ق)، سیدمسعود شاهمرادی و اصغر منتظرالقائم، مجله پژوهش های تاریخی، ص ۴۹ تا ۷۲، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار ۱۳۹۲، دانشگاه اصفهان
- ۲- شرایط و شیوه به کارگیری افراد در تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه براساس اسناد، حمیده شهیدی، فصلنامه گنجینه اسناد، شماره ۹۵، ص ۲۸ تا ۴۳، سال بیستم و چهارم، دفتر سوم، سال ۱۳۹۳